

## تجلی و حضور مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی در اشعار عبدالمنعم فرطوسی

سید کیهان شهدائی<sup>۱</sup>، سوسن ولی زاده<sup>۲</sup>

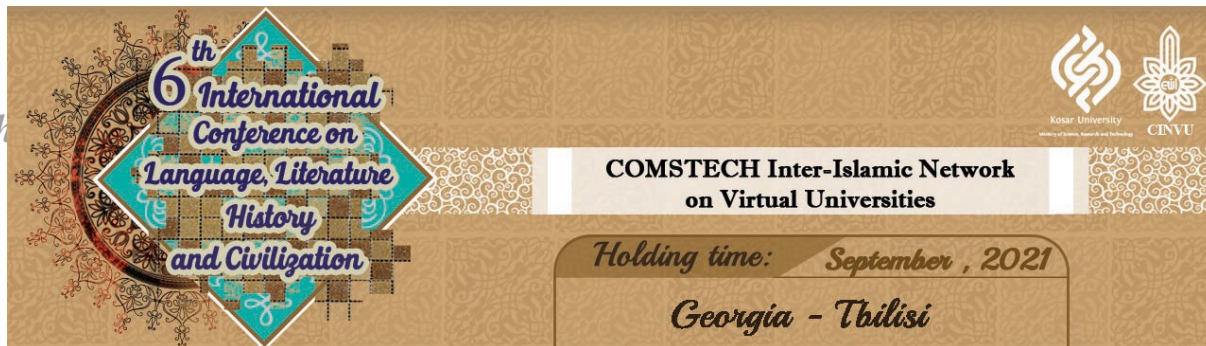
۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (نویسنده مسئول)

### چکیده

مفاهیم دینی و به ویژه مفاهیم قرآن کریم، تأثیر زیادی در مراحل مختلف حیات فردی و اجتماعی مسلمانان به صورت مستقیم و غیرمستقیم داشته است. بعد از مقوله‌های توحید، عبادت و خدا باوری، مؤلفه‌هایی همچون عدالت محوری، ظلم ستیزی، دنیاگریزی، برابری و جز آن همواره مورد نظر ادیبان به ویژه شیخ عبدالمنعم فرطوسی بوده است. بارزترین تأثیر این آمیزش و اختلاط را می‌توان در دست نوشته‌ها و دل سروده‌های این شاعر عرب زبان شیعی مشاهده نمود و در آثار ایشان مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی را در قالب آرایه‌های ادبی و استعاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، قصص و تمثیل، به وفور یافت. بر این اساس پژوهش حاضر با عنوان «تجلی و حضور مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی در اشعار عبدالمنعم فرطوسی» به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای با ابزار فیش برداری انجام شد. نتایج این پژوهش بیانگر این است که اشعار زیبای فرطوسی آکنده از مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی می‌باشند و التزامات دینی و اخلاقی در اشعارش به خوبی نمایان و جلوه گر است. درون مایه‌ی بسیاری از اشعار دینی این شاعر را موعظه، نصایح و ارشادات دینی همچون ضرورت توجه به تقوای الهی، توسل به خداوند در همه حال، دعا، یاد مرگ، جهاد، نماز و ... تشکیل داده‌اند؛ و این در حالی است که اخلاق و تربیت اسلامی نیز به عنوان یکی دیگر از عناصر مهم در شعر فرطوسی حول مضامینی چون دعوت به مشورت و رایزنی، دعوت به صبر و بردباری، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق دیگران، رازداری و نکوهش نمام و ... می‌چرخد.

**واژگان کلیدی:** مضامین اعتقادی، اخلاقی، دینی، عبدالمنعم فرطوسی، شاعر ولایی



## ۱- مقدمه:

شعر عرب در طول تاریخ ادب همانند زبان گویای مردم و به عنوان رسانه ای همگانی مورد استفاده و اعتماد عمومی قرار گرفته است. شاید از همین رو است که ائمه ی اطهار برای انتشار مکتب اهل بیت ترغیب به سرودن شعر و تشویق شاعران نموده اند، و از صدر اسلام تاکنون با تمسک به سنت پیامبر، از شعر به عنوان سلاحی کارآمد در تهاجم و دفاع استفاده شده است.

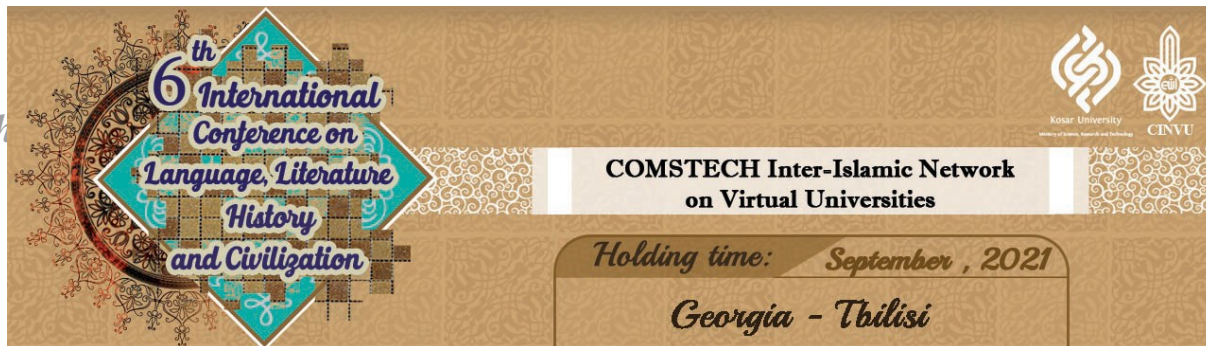
ادبیات عرب با بهره گیری از متون اسلامی، دانش های دینی و به خصوص معارف قرآن و احادیث اسلامی، حوادث تاریخی، تحولات فرهنگی و حتی عادات و آداب زمان، به مناسبت های مختلف و به اقتضای شرایط گوناگون رشد کرده و در هر موقعیت و مقطع توانسته است از این فرهنگ خاص تأثیرهای متنوع و گوناگون بپذیرد. در این میان ادبیات شیعی جایگاه ویژه ای دارد گرچه بسیاری از ناقدان عرب، آن را مورد بی مهری قرار دادند و از ذکر نام ادیبان و سرایندگان شیعه در آثار خود چشم پوشی نموده اند. (مختاری؛ ۱۳۸۴: ۹)

به دلیل این که شیعیان معمولاً مطرود و به دور از دستگاه های علمی، سیاسی و اداری حکومت ها در انزوا و یا در جنگ و گریز دائمی، فرصت ابراز عقاید و نظریات خاص خود را پیدا نمی کردند، نفوذ تفکر شیعی بیشتر از طریق ادبیات صورت می گرفته است و عموم قلمزنان شیعی مذهب، با این روش به مسئولیت خطیر خویش جامعه ی عمل می پوشانیده اند.

حقیقت این است که ادب شیعه، ادبیات عرب را غنی و پربار نمود و ادبیاتی که از آن برخاست قوی و سرشار بود. علت آن نیز موقعیت شیعه بود که به صورت طبیعی موجب شعله ور شدن عاطفه و تحریک آن می گردید، عاطفه ای که بهترین پشتوانه ی ادب محسوب می شود. شیعه نیز از دو گونه ی عاطفه ی قوی برخوردار بود: خشم و حزن (آمین؛ ۱۴۰۳: ۳۰۰/۳-۳۰۱)

از نظر پراکندگی جغرافیایی « شعر شیعی » به وسعت پراکندگی سرزمین های عربی - اسلامی منتشر شده است. در این میان سرزمین هایی که به گونه ای به اهل بیت پیامبر (ص) تعلق خاصی دارند سهم افزونی از این ادب را در خویش حفظ نمودند. در کشورهایمانند مصر وجود زیارتگاه رأس الحسین، زمینه ی شکوفایی این فن را فراهم نموده است. لیکن در میان کشورهای اسلامی در منطقه ی عراق و لبنان گوی سبقت را ربوده اند و از میان شهرهای این دو کشور نیز، شهرهای نجف و جبل پایگاه مهم شاعران شیعی چون عبدالمنعم فرطوسی، سید محسن جبلی و.... محسوب می شود. (خزعلی؛ ۱۳۸۳: ۱۷)

دین و اخلاق به عنوان عناصر مهم تمدن بشری در زندگی انسان و رسیدنش به سعادت پایدار آخروی نقشی بارز و اساسی ایفا می کند شاعران نیز این موضوع را همیشه با حساسیت و شکنندگی بیشتری در لوح دل ترسیم و برای ما به تصویر کشیده اند. شیخ عبدالمنعم فرطوسی یکی از شاعران شیعه مذهب و بنام عراقی است که این موضوع را مضمون بسیاری از



اشعار خود قرار داده است. وی صاحب مجموعه شعرهای زیبایی است که آکنده از احساس و تعهد وی به امور دینی و اخلاقی می باشد و مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی در اشعارش به خوبی نمایان و جلوه گر است. محیط رشد و پرورش او یعنی نجف بیشترین تأثیر را در وی داشت، به گونه ایی که باعث شد درون مایه ی بسیاری از اشعارش حول مضامینی چون دین و ارشادات اخلاقی و... باشد؛ لذا پرداختن به شخصیت علمی و ادبی وی به عنوان شاعر و ادیب و یکی از برجسته ترین فعالان در این عرصه امری ضروری است.

او در طول حیات ادبی خویش بالغ بر ۵۰۰۰۰ بیت شعر سروده که چهل هزار بیت آن در وصف اهل بیت (ع) می باشد. از جمله آثار این ادیب دانشمند می توان به دیوان فرطوسی، ملحمه ی اهل بیت، وجدانیات، فضیلت وار جوزه های شعری اشاره نمود. افزون بر این آبشخور و بن مایه اساسی شعر اخلاقی و دینی وی آموزه های قرآنی و سخنان اهل بیت علیهم السلام است که در پژوهش حاضر، تلاش پژوهشگر بر این است با بررسی آثار و کتاب های او علاوه بر آشنایی با شخصیت و جنبه های فکری او، مضامین اعتقادی و اخلاقی و دینی را در اشعار و قصاید عبدالمنعم فرطوسی استخراج نموده و پس از ترجمه، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

## ۲- معرفی شاعر

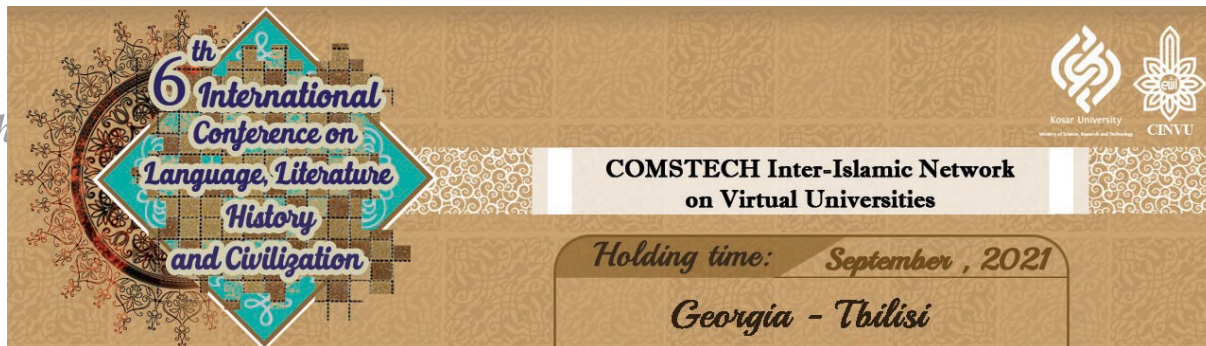
### ۲-۱- تولد، خانواده و زندگی فرطوسی

شیخ عبدالمنعم فرطوسی در سال ۱۹۱۳م در روستایی به نام «رقاصه» از توابع «مجر کبیر» در جنوب عراق به دنیا آمد. فرطوسی در نجف که به محیط دینی با گرایشهای محافظه کارانه مشهور بود، پرورش یافت (الکاتب؛ ۱۳۸۲: ۳۰۵). وی زادگاهش را بسیار دوست داشت و مشتاق آن بود و این اشتیاق را در قصایدش در بیشتر مناسبات بیان کرده است. مثلاً در قصیده ای می گوید:

۱- أ حنُّ لثربِ بجةٍ بحی (ء لی) ی فوح بط یب نفتحِها الر غام  
 ۲- وأ شتاق المرأ بع من ثراها یط یب یدها لم شتاقم قام

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۶۵)

- ۱- با همه ی غم ها به خاکت مشتاق بودم، خاک عطر خوش آنرا پراکنده می سازد.
  - ۲- مشتاق اقامتگاه های آن خاک هستم به خاطر عطری که در آن خاک است مکان اقامتی برای مشتاقان آن است.
- عبدالمنعم در سال های اولیه زندگی علوم اسلامی و دینی را نزد پدرش آموخت. پدر او «شیخ حسین فرطوسی» از بزرگان و دانشمندان عصرش و از فقیهان و صالحان برگزیده است. او هنگامی که عبدالمنعم ۱۲ سال بیشتر نداشت در سال ۱۳۴۸ در گذشت (آل محبوبه؛ ۱۹۸۶: ۶۳).



بعد از پدر، عمویش شیخ علی، کفالت عبدالمنعم را بر عهده گرفت و به وی عنایت بسیار داشت. او و برادرانش از راه زمین زراعتی که پدرش برایشان بر جای نهاده بود، روزگار می گذراندند. سرانجام در سن ۱۵ سالگی عبدالمنعم به تاریخی مهم در مسیر زندگی اش رسید. وی در این سن شیخ و روحانی شد و عمامه بر سر نهاد و مسئولیت سختی و سنگینی که از اداره خانه بر عهده اش بود را احساس کرد. (همان: ۶)

زندگی فرطوسی در جوانی با تحمل مسولیت های سنگین و برخورد با سختی ها و بلاها آغاز شد. شاعر جوان با وجود سختی ها و مشکلات فراوانی که در مسیر زندگی اش بود از زندگی روی گردان نشد و ناامیدی بر وی غلبه نکرد. علی رغم مسئولیت معیشت خانواده او از طلب علم و تحصیل دست بردار نبود، تاجائی که به بالاترین مقام در تدریس رسید و در مجتمع نجفی اقامت گزید. (همان: ۶۴)

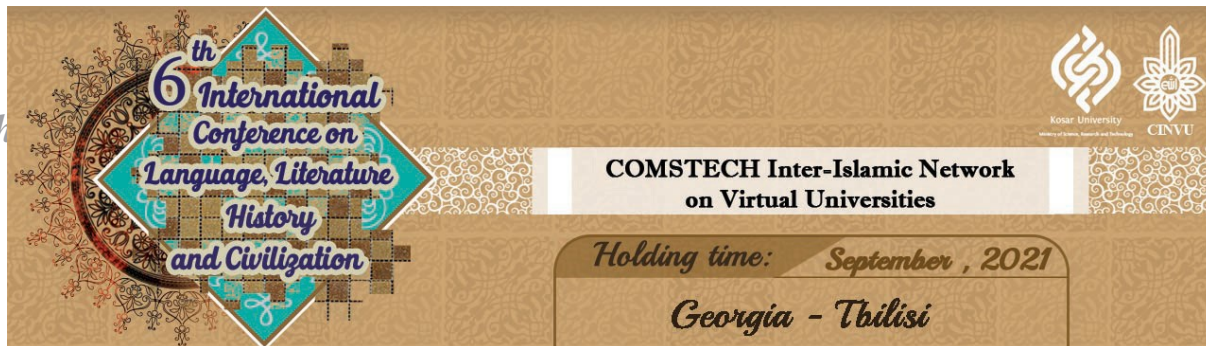
او برای کسب علم و دانش به سفر می پرداخت، اما سفرهای او تنها محدود به عراق نبود، بلکه بارها برای گردهمایی ها و جشنواره ها به خارج از کشور سفر کرد. البته بعضی از سفرهای وی برای زیارت اماکن مذهبی بود. او در سال ۱۳۷۱ برای زیارت مرقد امام رضا (ع) به ایران آمد و در سال ۱۳۷۶ به حج رفت و از آنجا به مدینه منوره و زیارت قبر رسول خدا (ص) مشرف شد. همچنین وی در سال ۱۳۴۸ به سوئیس سفر کرد و برای معالجه چشمانش مدتی را در ژنو ماند و بعد از مدتی به لبنان رفت و از آنجا به سوریه و سپس به عراق بازگشت. (الزین؛ ۱۹۶۵: ۳۵۰)

در اواخر دهه ی هفتاد در پی بحران سیاسی که عراق شاهدش بود، شیخ عراق را ترک کرد و به لبنان رفت و از آنجا به نزد برادرش «دکتر محمد حسین فرطوسی» برای مداوای چشمانش رفت، اما بعد از مدت ۶ ماه که از مداوای چشمانش ناامید شد به بیروت رفت و در آنجا ماند و در سال ۱۹۸۲ م برای بار دوم به ژنو رفت و از آنجا به امارات متحده عربی سفر کرد و در أبوظبي تا آخرین روز عمرش ماند. (العرفان؛ ۱۹۶۵: ۳۵۱)

## ۲-۲- نسب و قبیله ی شاعر

آل فرطوس از «آل خزیم» و «آل شبل» که در عراق می باشد گرفته شده است. اما برخی دیگر اصل آن را از «خفاجه» می دانند، و گروهی دیگر آن را از «غزبی» می دانند (العامری؛ ۱۹۹۲: ۲۵۱). اما نسبت دادن قبیله آل فرطوس به «آل غزبی» درست است؛ زیرا فرطوسی خود در مقدمه ی دیوانش این موضوع را تاکید می کند. (فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷)

آل محبوبه در مورد خاندان آل فرطوس در نجف می گوید: قبیله ی آل فرطوس از مکان خود دور شدند و از العماره کوچ کردند و بسوی بعضی سرزمینهای دیگر مانند الناصریه و الشنافیه و جاهایی غیر از این مناطق روی آوردند. آنها به سوی نجف که یکی از مکان های علمی عربی بود کوچ کردند و اولین کسی که از این خاندان به سوی نجف مهاجرت کرد «شیخ حسن علی» جد فرطوسی بود. (آل محبوبه؛ ۱۹۸۶: ۶۲)



## ۲-۳ - وفات فرطوسی

شیخ در اواخر عمرش دچار بیماری عضلانی در سینه اش و گرفتگی در دستگاه تنفسی اش شد، و به بیمارستان آمیری در اَبوظبی رفت، و چند ماه را در آنجا ماند تا وقتی که مرگ به سراغش آمد. او در ۱۴ ماه صفر سال ۱۴۰۴ مصادف با ۱۸ ماه نوامبر سال ۱۹۸۳ م در حالیکه ۷۰ سال از عمر گرانبهایش می گذشت وفات یافت. جسدش را به عراق انتقال دادند و در شهر نجف دفن کردند. از اشخاص بزرگی که وی را رثاء گفته اند می توان به « سید حسن صدر » و ادیب بزرگ « حسن سعید کرمی » اشاره کرد و همچنین « عبدالغفار انصاری » که از دانشمندان بزرگ اسلام است وفات شاعر را ضایعه ی بزرگی در اسلام می دانست.

خداوند شاعر را رحمت کند (فرطوسی) شاعر ولائی است و زبانش به ذکر عترت، پاک و مواج بود، و قلبش به عشق اهل بیت می تپید، خداوند او را با خوبانش مشهور گرداند. (طریحی؛ ۱۹۸۹: ۷۱۰)

## ۲-۴ - آثار فرطوسی

شیخ فرطوسی علاوه بر گرایش ادبی، در حلقه های متنوع علوم دینی درخشید و در زمینه ی فقه و اصول و منطق و علوم عربی، کتابهای با ارزشی را تألیف کرد، از جمله آثار وی:

**دیوان فرطوسی:** که در دو جزء است و اولین بار در چاپخانه الغری الحدیثه در نجف و در سال ۱۹۶۶ م چاپ شد. (طهرانی؛ ۱۳۳۵: ۷۰۰)

**ملحمه ی اهل بیت:** مجموعه ی شعری می باشد که فرطوسی در مورد پیامبر و اهل بیت اش سروده است.

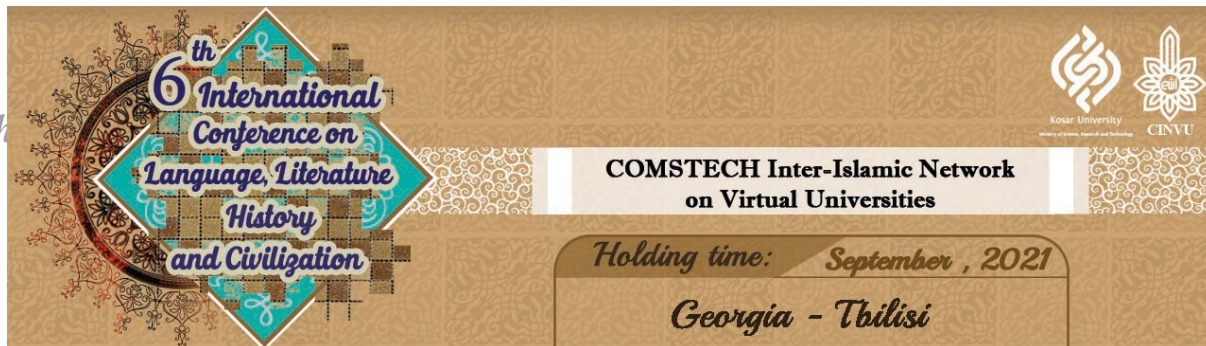
**وجدانیات:** مجموعه ی شعری که خطی می باشد. این اشعار محتوی رنگ های وصفی و غزلی شعر فرطوسی است. (آمینو؛ ۱۹۹۲: ۱۲۶)

**فضیله:** روایتی شعری است از ادب حزین که فرطوسی در ۸۰ صفحه آن را سروده است، تعداد ابیات آن بالغ بر ۶۰۰ بیت است و اصل این روایت از کاتب فرانسوی « برنا درین دی سان بیار » است. فرطوسی در سال ۱۳۶۶ سرودن این شعر را به پایان رسانده است.

**ارجوزه های شعری:** که ۶ شرح کوتاه بر حاشیه ی « ملأ عبد الله » در علم منطق می باشد. شرح «مختصر المعانی» از تفتازانی، شرح «کفایه الاصول» از محمد کاظم خراسانی، شرح «الرسائل الاصولیه» از شیخ مرتضی انصاری، شرح «رساله ی الاستصحاب» از رسائل شیخ مرتضی انصاری، شرح مقدمه ی فروش از کتاب «المکاسب»، شرح «المطالب» که به غالب ناهی نسبت داده شده است. (خاقانی؛ ۱۹۵۴: ۴)

## ۲-۵ - شخصیت علمی شاعر

شیخ فرطوسی دارای ویژگی های پسندیده و صفات پاک و استواری است که جز در زندگی گذشتگان صالح پیدا نمی شود، وی روش اخلاقی بلندی در تعالیم اسلامی دارد که از ارزش های اخلاقی اش و از روح تربیت قرآنی نشأت می



گیرد. در زمینه ی علم و معرفت فرطوسی به ستاره ای در محافل و نشست های ادبی که در نجف برگزار می شد تبدیل شد. به فضل موهبت شعری اش شاعر توانست مجالس ادبی را در دست گیرد و بر کرسی بالایی در جلسات ادبی بنشیند تا جائی که به شاعری بدون رقیب تبدیل شد و مشهور به شاعر «حلبات اسلامی» شد.

شاعر هنگامی که سخن گوید، همانند نسیمی آرام است که به بادبان کشتی می وزد بدون آنکه کشتی غرق شود. او سریع التدییر و دارای حافظه ای قوی و تیز هوش و زیرک است و در سخن و عمل صادق است و دارای سرشتی نیکو و از بدی ها دور و در نزد مردم پرهیزگار است. (الناهی؛ ۱۹۵۶: ۷۴)

در شکل گیری شخصیت وی سه عامل دخیل بودند:

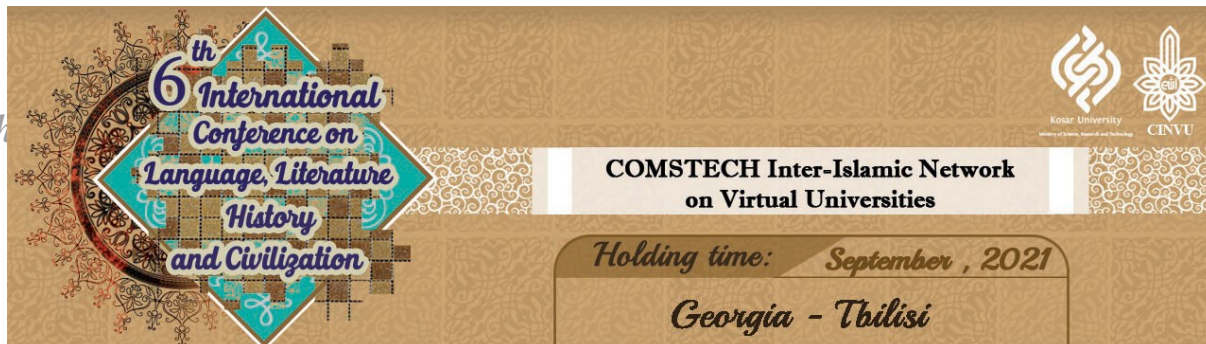
**عامل محیطی:** نهال مبارک فرطوسی در شهر نجف که مرکزیت دینی آن زمان بود رشد کرد. هر چند نجف مکان علمی بزرگی نبود، اما انوار معنوی را از مرقد امیرالمومنین (ع) می گرفت، این محیط معنوی بر فرطوسی تأثیر فراوان و عمیق گذاشته است و در شخصیت نافذ و ایمان او تجلی یافته است، شاعر بر روش پیامبر (ص) و بر روش ائمه ی اهل بیت (ع) زندگی می کرد.

**عامل وراثت:** مجد و بزرگی پدران و اجدادش در وی انعکاس یافته و در خانواده ای دانشمند پرورش یافته است. جد وی یکی از بزرگان و مراجع دینی است و پدرش شیخ حسین اهل علم و فضل و دانش بود و از بزرگترین استاد های عصرش و عمویش شیخ علی از دانشمندان و بزرگان خاندانش بود. (آل محبوبه؛ ۱۹۸۶: ۶۲، ۶۳)

**عامل فطری:** این عامل را خداوند منزّه بر شیخ ارزانی داشته است و هوش بی پایان و ذهن قوی ای را به او عطا کرده است. وی فی البداهه قصیده ای طولانی که تعداد ابیات آن ۱۰۰ بیت بود را در ذهنش می سرود و آن را اصلاح می کرد و بدون آن که آن را بنویسد در حضور دیگران می خواند، بدون اینکه از بیتی غافل شود. وی در مسائل دیگر مانند فقه و اصول، صرف و نحو، معانی و بیان، بدون مطالعه ی قبلی مناقشه می کرد. و کلامش را در این مباحث طولانی می کرد. (آمینن؛ ۱۹۹۲: ۹۳۸)

## ۲-۶- شعر فرطوسی

شعر نزد وی، طبیعی، روشن و بدون سختی و دشواری است. او برای به نظم کشیدن تلاش نمی کند بلکه سرودن و به نظم در آوردن بر زبانش بصورت ناب و شفاف جاری می شود. فرطوسی آنچه را که در درونش خطور می کند به تصویر می کشد. وی هنگامی که پریشانی و اضطراب در اعماق جامعه ریشه گرفته بود، تصاویر جامعه را در شعرش منعکس می کرد. وی دارای خیالی پر بار و استعدادی فطری می باشد. قدرت ذاتی شاعر در به تصویر کشیدن تصاویر و خیالات توسط الفاظ شعری به وی کمک می کند که افکارش را از عالم ذهن به عالم الفاظ و کلمه انتقال دهد. از عواملی که بیشتر در شعرش اثر نهاد، محیط بود. همچنین رشد وی در نجف باعث شد که با شعرای نام آور و بزرگان علم



و ادب آشنا شود، به همین دلیل نمی توان اثر بزرگ گروه ادبی نجف را، در تکوین و شکل گیری فرطوسی انکار کرد. این امر باعث شد شاعر جایگاهش را در میان محافل ادبی و مقام بلندش را در بین مردم و ادبا به دست آورد. ادیب خاقانی می گوید: فرطوسی در شعرش احتیاج به حمد و ستایش ندارد و اعجاب شنونده را بر می انگیزد و شعرش به ضرورت اصلاح جامعه است و شاعریتش سرچشمه ی ادبیات غنی است. وی لفظش قوی و محکم است و معانی اش رقیق و دل نشین و سبکش نیکو و رسا است، شعرش زنده و پویاست و احساساتش شفاف، و در انواع فنون شعری متبحر است. (خاقانی؛ ۱۹۵۴: ۷)

### ۳- مضامین اعتقادی و دینی در اشعار عبدالمنعم فرطوسی

درون مایه ی اشعار دینی عبدالمنعم فرطوسی را می توان به دو دسته تقسیم کرد. در دسته ی اول که بخش قابل توجهی از شعر وی را تشکیل می دهد، نمونه ی خوبی از شعر شیعی است که مملوء از حرارت عاطفه و ابراز مودت و عشق نسبت به خاندان عصمت می باشد. وی با سرشتی پاک و اخلاصی مثال زدنی بخش عظیمی از اخبار و روایت ها را چون اثبات وجود و یگانگی خداوند، اثبات خلافت امام علی (ع) در امر حکومت و خلیفه ی مسلمین بعد از وفات پیامبر (ص)، را به تصویر می کشد؛ اما بخش دیگری از اشعار فرطوسی بیشتر رنگ و صبغه ی موعظه و نصایح و ارشادات دینی همچون توجه به تقوای الهی، توسل به خداوند در همه حال، دعا و... می باشد که هر موضوع به طور مجزا مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

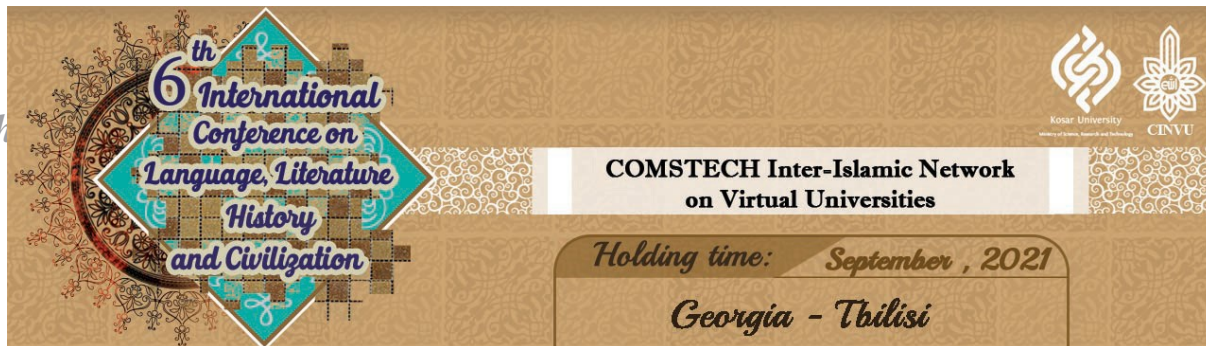
#### ۳-۱- اثبات توحید

فرطوسی در ابیات زیر بیان می دارد برای هر آن کس که می خواهد در راه دین قدم بنهد، باید ابتدا به درستی و روشنی آن را بشناسد، زیرا هر آن که دین را بشناسد در می یابد که در ورای آن قادری مطلق است که آن را به بهترین نحو و دقیق ترین قانون بنا نهاده است. به همین علت شناخت نسبت به دین و عشق به خداوند بهترین تصدیق برای وجود پروردگار می باشد؛ زیرا تصدیق وجود خداوند همانا اعتراف به یکتایی او و بی نیاز دانستن او از هر گونه شریک و نیاز می باشد. پس هر آن کس که به وجود خداوند و یگانگی او ایمان پیدا کند و آن را بشناسد خالصانه به عدالت پروردگار اعتقاد می یابد.

- |   |                                      |
|---|--------------------------------------|
| ۱- أَوَّلُ الدِّينِ لِلْخَلْقِ طُرّاً       | هُوَ عِرْفَانُهُ بِكُلِّ جَلَاءِ     |
| ۲- وَ كَمَالُ الْعِرْفَانِ لِلَّهِ مِنْهَا  | هُوَ تَصَدِّقُنَا بِرَبِّ السَّمَاءِ |
| ۳- وَ كَمَالُ التَّصَدِّيقِ لِلَّهِ صِدْقاً | هُوَ تَوْحِيدِهِ بِلَا شُرَكَاءِ     |
| ۴- وَ كَمَالُ التَّوْحِيدِ لِلَّهِ عَدْلًا  | هُوَ إِخْلَاصِنَا بِغَيْرِ رِيَاءِ   |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۲/ ۴۲)

در ادامه ی ابیات شیخ فرطوسی خود را ملزم می داند که خداوند را این گونه معرفی کند که او توانای مطلق است که هر لحظه اراده کند می تواند هر کاری را انجام بدهد بدون این که به وسیله یا چیزی نیازمند باشد و یا در راه تحقق آن به



رنج و زحمت بیفتد. علاوه بر این که خداوند بی نیاز است، مثل و ماندی ندارد و این که گفته می شود او خداوند دوم است، سخنی بس باطل و بیهوده است؛ زیرا او بدون شریک و بی همتاست. خدای را سپاس که گویندگان به عرصه ستایشش نمی رسند، و شماره گران از عهده شمردن نعمتهایش برنایند، و کوشندگان حَقش را ادا نکنند، خدایی که اندیشه های بلند او را درک نمایند، و هوش های ژرف به حقیقتش دست نیابند، خدایی که اوصافش در چهارچوب حدود ننگند، و به ظرف وصف درنیاید، و در مدار وقت معدود، و مدت محدود قرار نگیرد. با قدرتش خلاق را آفرید، و با رحمتش باها را وزیدن داد، و اضطراب زمینش را با کوهها مهار نمود.

۱- فاعِلُ صَنَعَهُ بِلا حَرَكَاتٍ      وَبِلا هِ بِغَيْرِ عِنَاءِ  
 ۲- لَمْ يَكُنْ مِثْلَهُ وَ لَوْ كَانَ قَلِيلًا      فَهُوَ رَبُّ ثَانٍ مِنَ الْقَدَمَاءِ  
 ۳- لَمْ يَقُلْ لَمْ يَكُنْ فَكَانَ عَلَيْهِ      وَ هُوَ وَصَفَ الْحُدُوثِ دُونَ إِخْتِصَاءِ

(همان: ۴۲/۲)

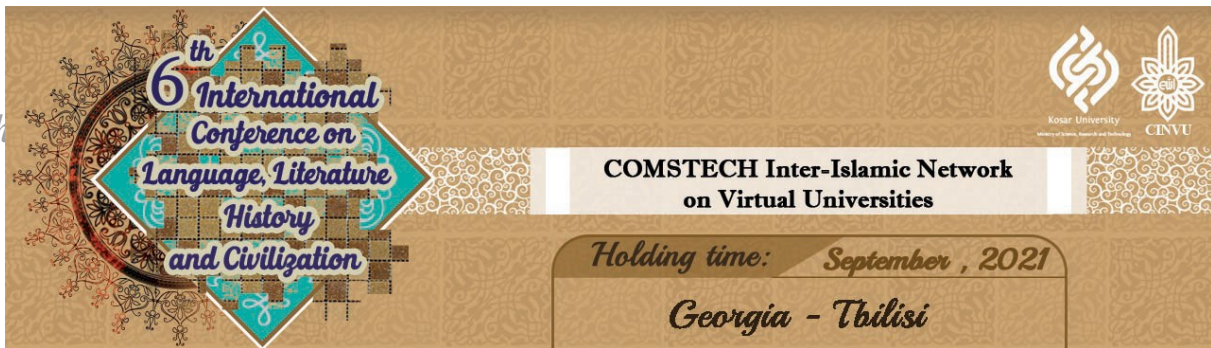
در ابیاتی دیگر شاعر اثبات وجود و یگانگی خداوند را این گونه به رشته ی نظم در می آورد که او واحد و یکتایی است که هیچ گونه ضعف و سستی در رأی و اراده ی او راه ندارد، و جهان هستی با همه ی اجزاء، خود بهترین نمونه برای اثبات این امر است که آفریننده ی آن خالق بی نظیر و تواناست و هر کس که به خداوند شک و شبهه ای دارد اگر اندکی در اجزای این جهان و نظم دقیق که بر جای جای آن سیطره افکنده بنگرد به وجود خالق آشکار و یگانه ای پی می برد که این جهان را چه با عظمت و شکوهی آفریده است؛ پس در این جاست که آن ها هدایت می شوند و به راه خطا نمی روند.

۱- وَاحِدٌ مَالَهُ وَ إِنْ كَانَ قَرْدًا      عَدَدٌ عِنْدَ سَاعَةِ الإِحْصَاءِ  
 ۲- وَ حُدُوثُ الْأَكْوَانِ خَيْرٌ دَلِيلٍ      لَوْجُودِ لِبَانِي لِهَذَا الْبِنَاءِ  
 ۳- وَ هُمْ لَوْ تَأَمَّلُوا فِي صَغِيرٍ      وَ كَبِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ الْمُنْرَائِي  
 ۴- تَأْتَدُوا لِلصَّوَابِ دُونَ ضَلَالٍ      قَدْ أَصَابَ الْعُقُولَ بِالْأَخْطَاءِ  
 ۵- غَيْرَ أَنْ الْقُلُوبَ بَعْدَ إِرْتِيَابٍ      قَدْ عَرَاها مَرَضِيٌّ بِغَيْرِ شَفَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۴۲/۲)

فرطوسی در ادامه، خود را در قبال بیان اثبات وجود و یگانگی خداوند یکتا و توحید او، مسئول می داند به همین علت به چگونگی خلقت حشرات و پرندگان که دلیلی بر توانایی و وجود خداوند یکتاست می پردازد و ویژگی های آن ها را بر می شمرد.





شاعر با به تصویر کشیدن ویژگی های طاووس سعی در اثبات وجود خالق یکتای جهان هستی دارد. وی در سرودن این ابیات به نهج البلاغه ی ابن حدید توجه دارد که همین موضوع زیبایی خاصی به اشعار وی می دهد؛ زیرا امیرالمومنین (ع) خلقت طاووس را در نهج البلاغه خویش برای اثبات شگفتی و بی نظیر بودن خالق آن آورده است.

بعد از آن که خداوند طاووس را کامل و زیبا خلق کرد، لباسی زیبا از بهترین رنگ ها را بر وی پوشاند. بال های همچون نی و دمی بلند و رنگارنگ را با طرحی زیبا به وی عطا کرده است. طاووس ماده به وسیله ی دمش از جنس نر شناخته می شود؛ زیرا جنس ماده دمش را مانند بادبان کشتی که کشتیان آن را برافراشته باشد بر روی سرش بلند می کند و از روی غرور به بلند ترین مکان می رود و از آن جا طغیان می کند و فریاد می کشد و از روی تکبر همانند بزرگان که در هنگام ملاقات مردم چشمانشان را می بندند، چشم خود را فرو می بندد.

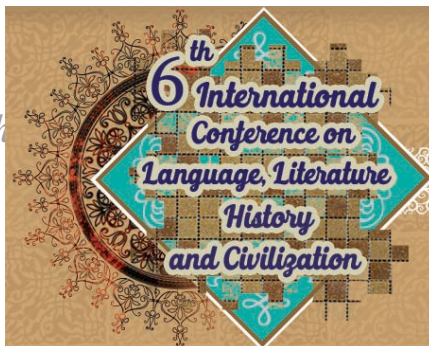
- |  |   |
|--|---|
| ۱- وَأَقَامَ الطَّاوُوسُ حِينَ بَرَاهِ       | بِأَتَمِّ التَّعْدِيلِ وَالْإِسْتَوَاءِ   |
| ۲- بَعْدَ تَنْفِيدِ كُلِّ لَوْنٍ أُنِيقَ     | مِنْ بَدِيحِ الْأَلْوَانِ دُونَ طَلَاءِ   |
| ۳- بِجِنَاحٍ فِي الصَّنْعِ أَشْرَحَ مِنْهُ   | تَصَابًا قَدْ بَنَاهُ خَيْرَ بِنَاءِ      |
| ۴- وَإِذَا جَاءَ فِي السُّفَاءِ لِأَنْتَى    | بَشَرَ الذَّيْلَ مِنْهُ بَعْدَ الطَّوَاءِ |
| ۵- مِثْلُ قَلْعِ الذَّارِي يَعْجُ عَطْفًا    | بِئَمِّينِ النَّوْتِي بَعْدَ إِرْتِقَاءِ  |
| ۶- وَهُوَ يَنْصِي كَالدَّيْكَ عِنْدَ لِقَاحِ | وَكَادَ الْفُحُولَ وَقْتَ اللَّقَاءِ      |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۴۴/۲)

### ۲-۳ - حقانیت حضرت علی (ع) در امر حکومت

شاعر در خصوص حقانیت حضرت علی (ع) در امر خلافت ابیاتی را سروده است که از محتوای آن این چنین بر می آید که او خلافت را متعلق به علی (ع) و خاندان ایشان می داند پس با استناد به آیات واضح و آشکار قرآن کریم حق خلافت امیرالمومنین را این گونه به تحریر در آورده که در قرآن بارها و به روشنی هر چه تمام تر از آخرین حج پیامبر به عنوان حجه الوداع سخن به میان آمده؛ چرا که این حج آخرین حج پیامبر (ص) در سال آخر عمر مبارکشان بود که می بایست در این روز ولی و جانشین خویش را انتخاب کنند. در این روز که به روز غدیر معروف است پیامبر همه ی یاران و حاضران را نزد خویش فرا خواندند؛ زیرا که ایشان هم قصد خداحافظی با یاران خویش را داشتند و هم می خواستند طبق آیه ای که نازل شده بود ولی و وصی بعد از خود را معرفی کنند.

- |  |   |
|--|---|
| ۱- وَ لِسَانُ الْكِتَابِ صَرَخَ جَهْرًا        | عِنْدَ حَجِّ الْوُدَاعِ لِلْأَوْلِيَاءِ |
| ۲- أَنَا أَكْمَلْتُ دِينَكُمْ لَكُمْ الْيَوْمِ | وَ أَتَمَّتْ سَابِغَ النَّعْمَاءِ       |
| ۳- وَ هُوَ لَمْ يَتْرِكْ الْمَدِينَةَ خُلُوءًا | حَذْرًا مِنْ مَكَائِدِ الْخَصَمَاءِ     |
| ۴- حِينَ يَغْزُو حَتَّى يَخْلَفَ فِيهَا        | خَلْفًا مِنْ أَكْرَامِ الْوُزَرَاءِ     |



### ۵- فَهْوَلَا بَدَّ أَنْ يَقِيمَ إِمَاماً وَوَصِيّاً لَهُمْ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۵۴/۲)

در روز غدیر خم بود که حضرت علی (ع) از سوی خداوند به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر (ص) خدا انتخاب شد. همه ی مسلمانان در حجه الوداع شاهد این قضیه بودند؛ اما وقتی که حق خلافت را از امیرالمؤمنان گرفتند همه ی مسلمانان سکوت کردند؛ اما حضرت علی (ع) همه ی آن ها را سوگند به همان بیعتی که در روز غدیر یاد کردند داد که فرطوسی بنا به تعهدی که به این موضوع در خود احساس می کرد آن را این گونه بیان می نماید:

- ۱- إِنَّا أَنَا شِدْتِكُمْ بِرَبِّ الْبَرَايَا فَاجِيبُوا صِدْقًا بَدُونَ إِفْتِرَاءٍ
- ۲- كُلُّ فَرْدٍ قَدْ كَانَ مِنْكُمْ نَجْمٌ حَاضِرًا فَلْيُقِمِ بِنَجْمِهِ إِتْقَاءً
- ۳- فَأَجَابَ أَتْنَعَشْرَ شَخْصًا وَوَلِيًّا وَهُمْ مِنْ أَطْنَابِ الْأَوْصِيَاءِ
- ۴- فَأَبَانُوا شَهَادَةَ الْحَقِّ مِنْهُمْ بِالذِّي قَالَهُ بِخَيْرِ أَدَاءٍ
- ۵- قَالَ أَنَا طُرّاً سَمِعْنَاهُ مِنْهُ وَدَعِينَا لَهُ بِخَيْرِ دُعَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۹۷/۲)

در ادامه ی این مبحث شاعر، ابیاتی را به تصویر می کشد که نشان دهنده ی این امر می باشد که بعد از وفات پیامبر (ص) گروهی از مهاجران و انصار دچار گمراهی شدند و وصیت نبی را به فراموشی سپردند و سوگندی که در روز غدیر یاد کرده بودند را شکستند و ماجرای سقیفه را پیش آوردند.

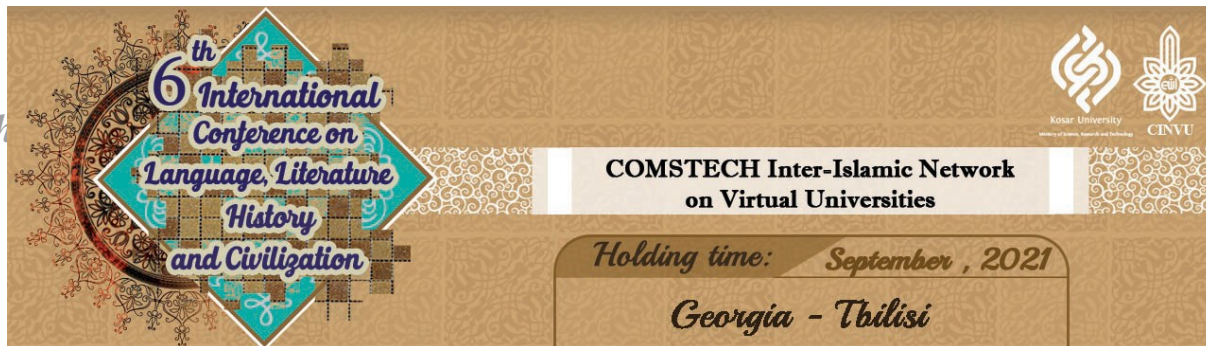
- ۱- قَالَ سُبْحَانَهُ وَمَا هُوَ إِلَّا
- ۲- لِلْبَرَايَا: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا
- ۳- آيَةُ أَنْبَاتٍ بِمَا سَوْفَ يَعْرَوُ
- ۴- مِنْ خِلَافٍ مِنْ بَيْنِ أُمَّةٍ طَه
- ۵- وَهِيَ فِي حَادِثِ السَّقِيْفَةِ نَصَ
- ۶- مِثْلَمَا شِيعَةُ الْإِمَامِ عَلِيٍّ
- ۷- حَيْثُ بَعَدَ النَّبِيُّ قَدْ جَاءَ هَذَا

- ۱- مَنْزِلَ الْوَحْيِ مِنْ كِتَابِ السَّمَاءِ
- ۲- مُرْسَلٌ مِنْ أَكْرَامِ الْأَنْبِيَاءِ
- ۳- بَعْدَ فِقْدَانِ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ
- ۴- وَإِنْقِلَابِ وَفْتَنِهِ وَبَلَاءِ
- ۵- وَاضِحٍ لَيْسَ فِيهِ أَىَّ خِفَاءِ
- ۶- فَشَرَوْهَا أَخْذًا عَنِ الْمَنَاءِ
- ۷- دُونَ فَصْلِ عَنْ مَوْتِهِ وَتَنَاقِي

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۵۱/۲)

### ۳-۳ - تقوای الهی

همان طور که در ابتدای بحث بیان شد؛ بخشی از اشعار دینی فرطوسی رنگ و صبغه ی پند گونه به خود می گیرد و این بنا به تعهد و مسئولیتی است که وی در این زمینه احساس می کند، به همین علت شاعر متعهد بر خود وظیفه می داند به



سرایش ابیاتی پردازد که از اصول اساسی و مهم دینی به شمار می آید و پای بندی به آن بر هر فرد مسلمانی واجب و لازم می باشد.

شاعر در ابیات زیر با نگاهی کلی به بیان کوتاه ترین راه سعادت می پردازد و تعهد خویش را در بیان این مسأله به این شکل بیان می کند. او دست یابی به سعادت را در گرو تقوای الهی می داند، همچنین ایمان و رسیدن به یقین را از یک سو و توسل به انبیاء و اولیاء الهی را از سوی دیگر از ابزار رسیدن به سعادت حقیقی بشر بر می شمرد، و این امر امکان پذیر نیست جز در سایه ی امید به قدرت لایزال الهی.

- |   |  |
|---|--|
| ۱- <b>إِنَّ تَقْوَى الْإِلَهِ أَفْضَلُ زَادٍ</b>          | ۱- <b>فَتَزُودَ بِهِ لِيَوْمِ الْجَزَاءِ</b>         |
| ۲- <b>وَ أَعْمُرُ الْقَلْبَ مِنْكَ بِالذِّكْرِ مِنْهُ</b> | ۲- <b>وَ اعْتَصِمَ مُمْسِكًا بِجَبَلِ الرَّجَاءِ</b> |
| ۳- <b>لَا أَرَى فِي الْأَسْبَابِ أَوْثَقَ مِنْهُ</b>      | ۳- <b>سَبَبًا عِنْدَ عُلُقَةِ الْأَوْلِيَاءِ</b>     |
| ۴- <b>نُورُ الْقَلْبِ بِالْيَقِينِ لِيُمْحَى</b>          | ۴- <b>كُلُّ رَيْبٍ مِنْ رَقْدَةٍ إِمْتِرَاءِ</b>     |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱/ ۱۷۴)

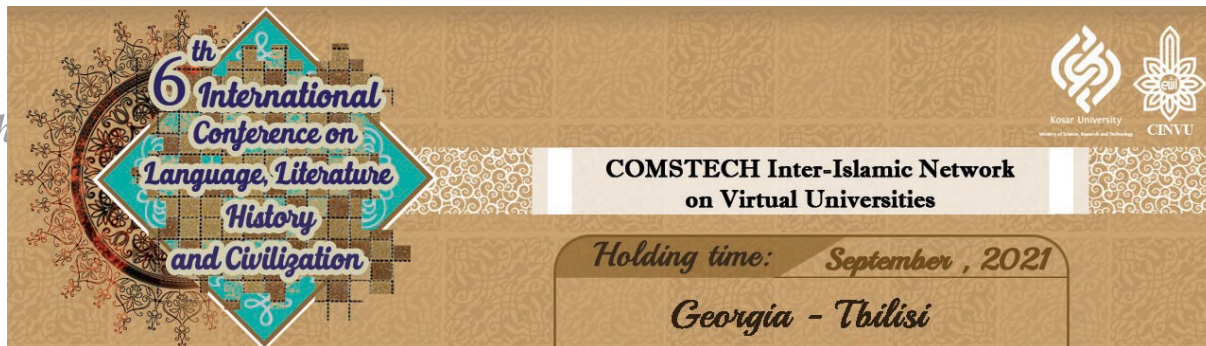
معرفی می کند و انسان را به حریم امن الهی دعوت می نماید و در ادامه شاعر متعهد پروردگار را تنها کسی می داند که سزاوار برترین ستایش هاست، پس از ما می خواهد در انجام هر کاری خداوند را در نظر داشته باشیم و به او پناه ببریم و همواره از خشمش بر حذر باشیم؛ زیرا قدرت و توانایی او بر تمامی جهانیان سایه افکنده، پس هر چیزی تنها با خواست و اراده ی خداوند محقق می شود.

- |  |   |
|--|---|
| ۱- <b>وَ اعْتَصِمِ بِالْإِلَهِ خَيْرَ اعْتِصَامٍ</b> | ۱- <b>وَ اسْتَعِنَ فِيهِ عِنْدَ عِظَمِ الْبَلَاءِ</b> |
| ۲- <b>بِاسْطِ الْوَأْزَقِ مِنْهُ فَهُوَ أَوْلَى</b>  | ۲- <b>مِنْكَ بِالشُّكْرِ فِي جَزِيلِ الثَّنَاءِ</b>   |
| ۳- <b>وَ هُوَ الْقَادِرُ الَّذِي بَدِيهَ</b>         | ۳- <b>كُلُّ مَنْحٍ مُقَدَّرٍ وَ عَطَاءِ</b>           |
| ۴- <b>فَارْتَجِ اللَّهَ وَ اخْشَهُ وَ تَحَرَّزْ</b>  | ۴- <b>مِنْهُ فِي خَيْرِ خَشِيَةٍ وَ ارْتِجَاءِ</b>    |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۷: ۱۷۸)

شاعر در این ابیات به بیان تکلیف و ادای حقی که خداوند برای بندگانش مقرر گردانده، می پردازد. وی پس از توکل و پناه بردن به خداوند و یاری جستن از او، از ما می خواهد که کتب خداوند (قرآن)، که نور و چراغ هدایت بشری است را به بهترین شیوه بیاموزیم و همچنین همه ی اصول و احکام دین مبین اسلام را نکته به نکته در مراحل مختلف زندگی سرلوحه ی خویش قرار دهیم تا از این طریق بتوانیم به سعادت دنیوی و اخروی که همانا هدف و مقصد تمامی اولیاء الهی است، دست یابیم.

- |  |   |
|--|---|
| ۱- <b>وَ أَحَبُّ الْأُمُورِ عِنْدِي تَقْوَى</b>    | ۱- <b>اللَّهُ صِدْقًا فِي جَهْرَةٍ وَ خَفَاءِ</b> |
| ۲- <b>وَ أَدَاءُ الطَّاعَاتِ لِلْعَبْدِ مِمَّا</b> | ۲- <b>قَرَضَ اللَّهُ فِي أَتَمِّ أَدَاءِ</b>      |
| ۳- <b>فَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي كُلِّ شَيْءٍ</b>    | ۳- <b>مُسْتَعِينًا بِاللَّهِ طُولَ الْبِقَاءِ</b> |



۴- و تَعَلَّمَ كِتَابَهُ فَهُوَ نَوْرٌ  
منه يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ سَوَاءٍ  
۵- و تَعَلَّمَ تَأْوِيلَ مَا جَاءَ فِيهِ  
من مَعَانٍ مِنْ صَفْوَةِ الْعُلَمَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۶-۱۷۷)

### ۳-۴- دعا

شیخ عبدالمنعم فرطوسی، دعا را یکی دیگر از اصول مهم و اساسی دینی بر می شمرد و می کوشد که در این خصوص از چگونگی دعا کردن و شرایط و شیوه های آن پرده بردارد به همین دلیل ابیات متعددی را به رشته ی تحریر در آورده است. وی دعا را از ذخائر ارزشمند و گنجینه های رحمت و بخشش الهی می داند و همواره انسان را به دعا کردن دعوت می نماید؛ چرا که معتقد است که دعا کلید گشایش این گنجینه است، پس آدمی در طول زندگی برای نیازهایی چون گشایش روزی، تندرستی و سلامتی بدن و... همواره به آن محتاج است.

۱- وَ أَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ خَزَائِنِ فَضْلِهِ  
بِيَدَيْهِ فِي أَرْضِهِ وَالسَّمَاءِ  
۲- سَعَةً فِي الْأَرْزَاقِ وَالْعُمُرِ تَتَلَوُ  
صِحَّةً فِي الْأَبْدَانِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۱)

شاعر در ابیات دیگری هیچ گونه محدودیت زمانی را برای انجام فریضه ی دعا قائل نمی شود؛ اما از سوی دیگر مهم ترین امر را در وادی اجابت دعا، امید و اعتقاد به فضل و بخشش نامتناهی خداوند کریم بیان می دارد.

۱- فَمَتَى شَتَّتَ فَتَحَ أَبْوَابِ نِعْمِيَّ  
بِيَدَيْهِ فَتَحْتَهَا بِالْدَعَاءِ  
۲- مُسْتَدِرًّا مِنْهَا شَائِبِ لَطْفِيَّ  
لَكَ تَهْمِي بِرَحْمَةٍ وَرَجَاءِ

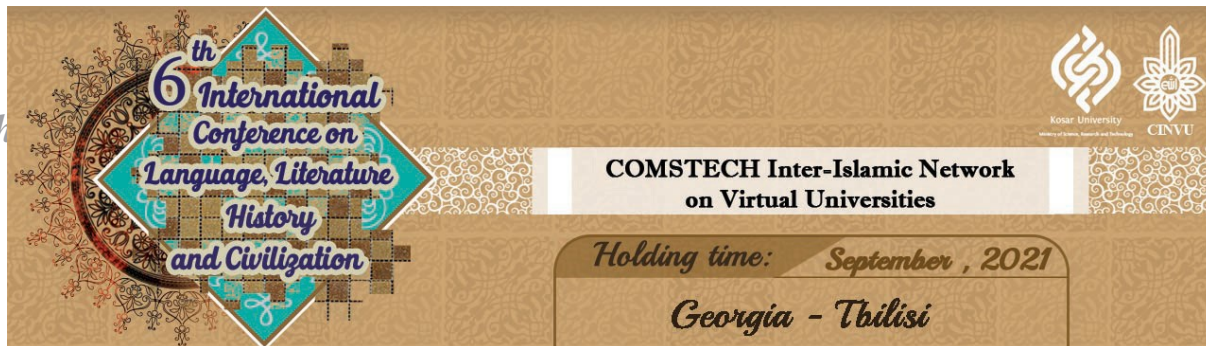
(فرطوسی؛ ۱۹۸۷: ۱۸۱)

فرطوسی در ابیاتی دیگر تعهد خود را در قالب مسأله ی دعا و تأخیر در اجابت آن و توسل به خداوند این چنین ابراز می دارد:

گاهی بنده ی مؤمن به درگاه خداوند عزوجل دعا می کند؛ اما اجابت دعایش به تأخیر می افتد، در این زمان است که انسان نباید از لطف و رحمت الهی مأیوس و نا امید گشته؛ زیرا بخشش و کرامت خداوند به اندازه و میزان خلوص نیتی است که انسان در دل می پروراند.

۱- قَدَعَ الْيَأْسَ بِالْإِجَابَةِ مِنْهُ  
حِينَ تَدْعُو فِي حَالَةِ الْإِبْطَاءِ  
۲- فَالْعَطَايَا تَأْتِي بِقَدْرِ النَّوَايَا  
حِينَ تَجْرِي عَلَى صَعِيدٍ سَوَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۲)



از سوی دیگر این تأخیر در اجابت عاملی برای سنجش صبر و امید انسان در مقابل مصائب و سختی های زندگی می شود که در مقابل این تأخیر خداوند پاداشی بس عظیم و بزرگ در روز قیامت به او عطا خواهد کرد.

۱- وَعَسَاهَا تَأَخَّرَتْ عَنْكَ كَيْمَا يَعْظَمُ الْأَجْرُ عِنْدَ وَقْتِ الْجَزَاءِ

(همان: ۱۸۲)

شاعر در ادامه، در قالب راه و روش دعا کردن عنوان می دارد گاهی این تأخیر در اجابت دعا به خاطر خیر و منفعتی است که در این امر نهفته است؛ چرا که اگر دعا به سرعت اجابت گردد موجب هلاکت و گمراهی انسان می شود. پس باید همیشه این مطلب را در نظر گرفت که هم دنیا دار فانی است و هم آدمی در این دنیا جاودان نیست.

۱- رَبُّ أَمْرٍ هَلَاكٌ دِينِكَ فِيهِ حِينَ يُعْطَى فِي سَاعَةِ الْإِبْتِدَاءِ

۲- لَيْسَ يَبْقَى مَالٌ وَ لَسْتَ بِبَاقٍ أَنْتَ لِلْمَالِ بَعْدَ يَوْمِ الْفَنَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۲)

### ۳-۵- مرگ

فرطوسی مرگ را کامل کننده ی زندگی بشری می داند. وی بهترین راه رهایی از جهالت و نادانی را زنده نگه داشتن یاد مرگ در قلب و جان انسان مومن می داند؛ زیرا از این طریق است که انسان می تواند نفس سرکش خویش را مهار کرده و آن را از بیراهه و سردرگمی نجات دهد.

۱- أَحْيِهِ مِنْكَ بِالْمَوَاعِظِ بَعْثًا وَ نَشُورًا مِنْ رَقْدَةِ الْجَهْلَاءِ

۲- قُوَّةٍ مِنْ مَعَارِفِ الدِّينِ عِلْمًا حِينَ يُمَسِّي جَهْلًا مِنَ الضَّعْفَاءِ

۳- الْقَلْبَ بِالْحَمَامِ وَ رَوْضَ صَعْبَهُ فِي كَابَةِ وَ اخْتِشَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۴)

شاعر در ادامه ی ابیات و در شناساندن مرگ به ما عنوان می دارد که مرگ به سراغ همه ی انسان ها می آید و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد و اگر نگاهی گذرا به تاریخ پیشینیان داشته باشیم خواهیم دید که آن ها در هر شأن و مقامی که بودند باز هم از مرگ مصون نماندند و به دیار باقی شتافتند.

۱- وَ لَتَبْصِرَهُ بِالْفَجَائِعِ مِمَّا أَنْزَلَ الدَّهْرُ فِي بَنِي حَوَاءِ

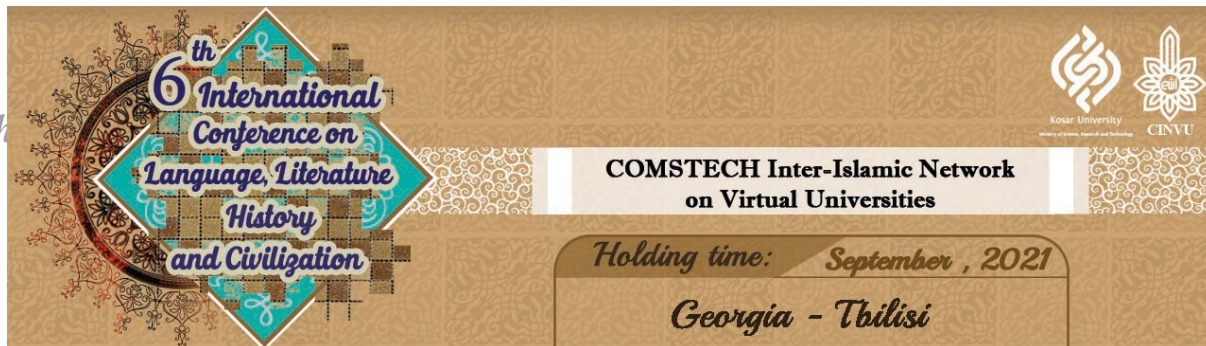
۲- وَ تَقْرُ الْأَخْبَارُ وَ اعْرَضَ عَلَيْهِ سِيرَ الظَّاعِنِينَ بَعْدَ التَّنَائِي

۳- وَ تَأْمَلُ دِيَارَهُمْ وَ تَتَّبَعُ كُلَّ آثَارِهِمْ بِخَيْرِ اقْتِضَاءِ

۴- أَيْنَ حَلَّوْا وَ كَيْفَ صَارُوا انْتِقَالًا مِنْ دِيَارِ الْأَحْبَابِ لِلْغُرَبَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۴)

فرطوسی در این ابیات حقیقت مرگ را نزدیک تر و آشکار تر از زندگی در دنیای مادی و فانی می داند به طوری که آفرینش بشر را متعلق به وادی مرگ و نیستی بیان می کند. شاعر مرگ را به صورت مسیری وصف می کند که با شتاب



طی می شود در حالی که اختیار آدمی در مقابل آن ضعیف تر از آن است که بتوان مانع از طی کردن این راه شود. در ایاتی دیگر مرگ را همچون صیادی به تصویر می کشد که انسان را هر لحظه که اراده کند در چنگال خویش به اسارت می کشاند، در حالی که هیچ راه نجاتی برای رهایی از صید از چنگال مرگ وجود ندارد. در بیت پایانی نیز شاعر موعظه گونه انسان را از مرگ ناگهانی بر حذر می دارد و مقصود کلی او در باب ترس از مرگ غافلگیرانه، در واقع آمادگی انسان برای مرگ در هر زمان، با کنترل اعمال و نفس خویش در برابر وسوسه ها و دنیا پرستی هاست.

- ۱- اِنَّمَا اَنْتَ قَدْ خُلِقْتَ لِاٰخِرٰی  
 ۲- وَاِلَى الْمَوْتِ لَا الْحَيَاةُ خُلُوْدًا  
 ۳- وَ طَرِيْقٌ تَسِيْرُ فِيْهِ حَيْثَا  
 ۴- وَ طَرِيْدٌ لِّلْمَوْتِ لَسْتَ بِنَاجٍ  
 ۵- فَحَذَرًا مِّنْ اَنْ تَفْجَا فِيْهِ
- لا لَدُنِيَا مَخْلُوْقَةٌ لِّلْبَلَاءِ  
 وَاَلْجَلِ الْفَنَاءِ لَا لِّلْبَقَاءِ  
 اِثْرٌ مِّنْ قَدْ مَضَى لِدَارِ الْجَزَاءِ  
 مِّنْ يَدِيْهِ وَاِنْ تَكُنْ فِيْ وِقَاءِ  
 بَعْتَهُ دُوْنَ عِدَّةٍ وَاَحْتِمَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۲-۱۸۳)

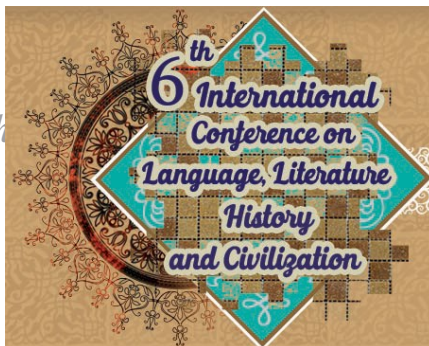
### ۳-۶- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهم ترین و اصولی ترین مسأله ایی که شیخ فرطوسی به صورتی بس گسترده و وسیع بدان عنایت دارد و آن را سرلوحه ی زندگی هر فرد مسلمانی می داند مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر می باشد. او امر به نیکی ها و نهی از بدی ها را این گونه به تصویر می کشد که انسان باید همواره آن را به عنوان یک تکلیف در رأس برنامه های زندگی خویش قرار دهد، به همین خاطر او در اشعارش در قالبی پندگونه به ما یادآور می شود که از دعوت به خیر و نیکی و بازداشتن از زشتی و بدی غافل نباشیم و آن را ترک نکنیم و هیچ گاه نگذاریم بدی ها بر ما مسلط شوند؛ زیرا در این صورت دیگر پروردگار آسمان ها صدای ما را نمی شنود و دعاهایمان به در گاهش مستجاب نمی شود.

- ۱- وَ اَمْرًا بِالْمَعْرُوْفِ لَا تَتْرَكُوْهُ  
 ۲- فَيُوَلِّي الشَّرَّ اَنْتُمْ عَلَيْهِمْ
- بَعْدَ نَهْيٍ عَنِ الْمُنْكَرِ الْفَحْشَاءِ  
 دُوْنَ سَمْعٍ مِّنْ رَبِّكُمْ لِدَعَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۲)

فرطوسی در ابیات دیگر تعهد خویش را در قالب موعظه و پندها در خصوص امر به نیکی ها و نهی از بدی ها این گونه بیان می کند که آدمی باید وجدان و نفس را بهترین میزان برای تشخیص خیر از شر و حق از باطل قرار دهد و از او می خواهد دنیای خویش را بر طبق اخلاص بگذارد و هر آن چه در این دنیا حق و خواستنی است به مساوات میان خود و دیگران تقسیم نماید، از خودخواهی و ظلم پرهیزد همان طور که دوست ندارد به او ظلم شود و تا آن جا که می تواند احسان و نیکی را سرلوحه ی تعامل با دیگران قرار دهد و در نهایت پس از رسیدن به مقصود و مطلوب همواره در مقابل خداوند سر خضوع و فروتنی فرود آورد.



- |                               |                           |
|-------------------------------|---------------------------|
| ۱- و اجعل النفس مثل ميزان عدل | لسواها من الوری باستواء   |
| ۲- فارض للناس بالذی ترتضیه    | لك ما بینهم بحد سوء       |
| ۳- لا تكن ظالماً كما لك تأبی  | أن ترى ظالماً من الأقویاء |
| ۴- و إلیهم أحسن كما أنت تهوی  | لك أن یحسنوا بغير انقضاء  |
| ۵- لا تقل قط دون علم و ان     | قل ما تعلمن دون اتقاء     |
| ۶- و إذا ما بلغت قصدك فأخشع   | لإله الوری بخیر اختشاء    |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۰)

فرطوسی در ابیات زیر خود را ملزم و متعهد می داند که به صورت گسترده به مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. وسعت این دامنه تا حدی است که وی در قالب اشعارش به همه ی یاران و نزدیکان خویش وصیت می کند تا آنجا که می توانید تقوای الهی پیشه کنید که این خود از برترین فضایل و دعوت به نیکی هاست و در کنار آن توصیه ایی عمیق بر برپایی عدالت، صداقت و انجام اعمال نیکو و ثواب دارد و از سوی دیگر انسان را از بدی ها و وابستگی های دنیوی باز می دارد، در حالی که دستگیری مظلومان را از مهم ترین دغدغه های هر انسانی می شمارد.

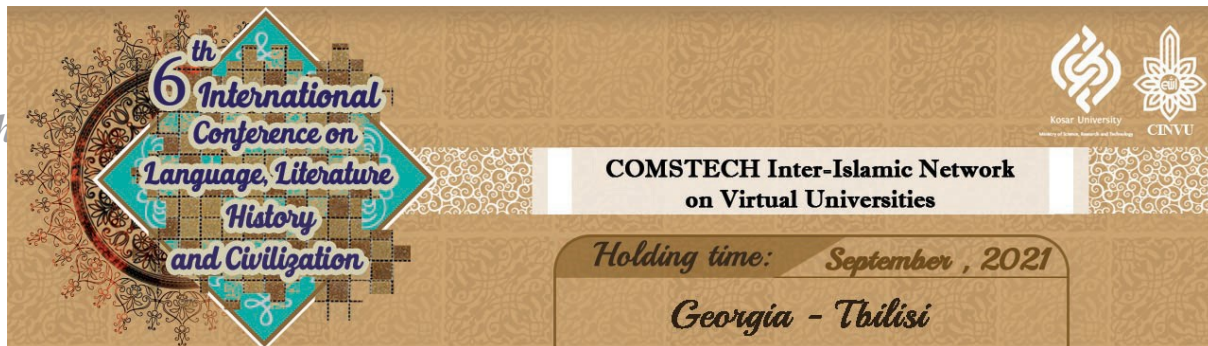
- |                                   |                            |
|-----------------------------------|----------------------------|
| ۱- أنا أوصیکما و من کان عندی      | من جمیع الأصحاب و الأقرباء |
| ۲- بمزید التقوی لرب البرایا       | و هو أدنی وسیله للرجاء     |
| ۳- قط لا تأسفاً علی کل شیء        | قد مضی عنکما بدئیا الفناء  |
| ۴- و لتقولوا بالحق صدقاً و عدلاً  | و اعملاً للثواب دون ریاء   |
| ۵- و اغدوا للمظلوم عوناً و للظالم | لیم کوناً خصماً من الخصماء |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۱)

### ۳-۷- نبوت

زیباترین و لطیف ترین جلوه ی بارش رحمت حق برای هدایت آدمیان، نشان دادن راه رفتن به سوی بلندای هستی و گشودن درهای بهشت است. این کار جز با میمنت وحی و نبوت ممکن نیست. پیامبران آمده اند تا انسان را از حسیض خاک به بلندای افلاک ببرند و از جهنم حیوانیت به بهشت انسانیت برسانند. هیچ حادثه ای در عالم عظیم تر و دلربا تر از جلوه گری رحمت بیکران خداوندی در لباس وحی و نبوت نیست، که بدون آن، راه به سوی حقیقت هستی و درهای بهشتی و رازهای معنوی برپوش گشوده نمی شود. درهای خاص آسمانی جز به برکت وحی و نبوت بر آدمیان خاکی گشوده نمی شود و این انتظار که بتوان بدان بارگاه به غیر از منبع وحی و نبوت راه یافت، انتظاری بیهوده است. (شمیل؛

(۳۱۲: ۱۳۶۲)



نبوت نیز یکی دیگر از مسائلی است که فرطوسی به راحتی از کنار آن رد نمی شود پس او خود را ملزم می داند که در قالب آن شعر بسراید؛ زیرا همان طور که می دانیم بشر همواره در طول تاریخ نیازمند یک راهنما یا مرشد برای هدایت و رسیدن به سعادت و کمال بوده است. به همین علت فرطوسی در ابیات زیر به معرفی آگاه ترین هادیان بشر اشاره دارد، پیامبران و فرستادگان الهی تنها جانشینان خداوند بر روی زمین، آنان که وظیفه ی هدایت و ارشاد بشریت را به خوبی ایفا می کنند را بهترین مرشد می داند، و از ما می خواهد با بهره گیری از پندهایشان مسیر سلوک الهی را از بیراهه تشخیص دهیم.

۱- وَ تَبَصَّرْ فَلَا أُرَى قَطَّ عَنْهُ  
 ۲- فَتَتَّبِعْهُ رَائِدًا وَ اتَّخَذَهُ  
 ۳- فَاعْتَبِرْ بِالْعِظَاتِ خَيْرَ اعْتِبَارٍ  
 مِنْبَأًا مِثْلَ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ  
 قَائِدًا لِلرَّشَادِ وَ الْإِهْتِدَاءِ  
 وَ تَحَرَّزْ مِنْهَا بِخَيْرِ وَقَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۸)

و در جای دیگر شاعر تعهد خود را در قبال مسأله ی نبوت این گونه ابراز می دارد و آن را راهی استوار می داند که حاصل آن نزدیک شدن و توسل به پروردگار جهانیان می باشد.

۱- لَا أُرَى فِي الْأَسْبَابِ أَوْثَقَ مِنْهُ  
 ۲- لَا تَكُنْ مُعْرِضًا عَنِ النَّصْحِ صَفْحًا  
 سَبَبًا عِنْدَ عُلُقَةِ الْأَوْلِيَاءِ  
 فَهُوَ عِنْدَ السَّقَامِ خَيْرَ دَوَاءِ

(همان: ۱۷۴)

### ۳-۸- جهاد

جهاد یکی دیگر از مسائلی است که فرطوسی به عنوان یک شاعر متعهد، بارها در اشعار خود به آن توجه داشته است، تا آن جا که سفارش می کند؛ انسان با هر آن چه که در اختیار دارد اعم از جان، مال و حتی زبان در راه تحقق اراده ی خداوندی به جهاد و پیکار با ظالمان بپردازد.

۱- جَاهِدُوا بِاللِّسَانِ وَ الْمَالِ مِنْكُمْ  
 ۲- وَ دَعُوا الْبُعْدَ وَ التَّقَاطُحَ عَنْكُمْ  
 وَ الدَّمَ فِي سَبِيلِ رَبِّ السَّمَاءِ  
 وَ عَلَيْكُمْ بِالْوَصْلِ وَ الْإِلْتِقَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۲)

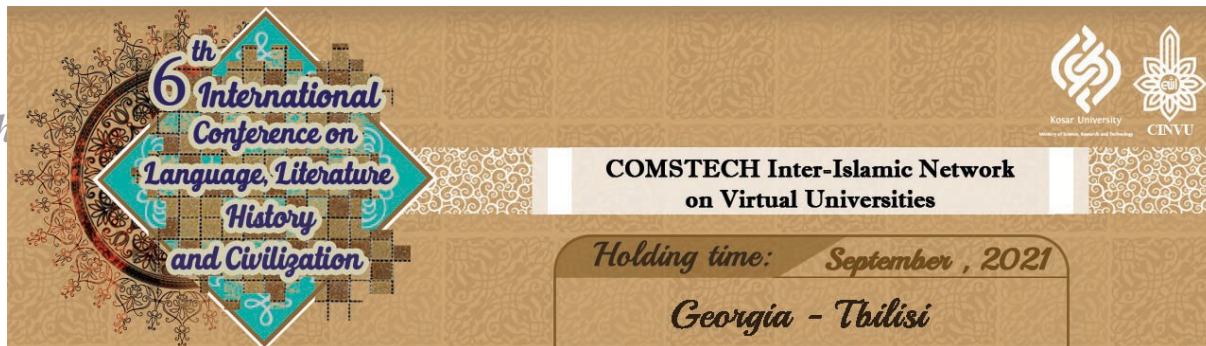
در ابیات دیگر شاعر بهترین جهاد را جهادی می داند که همراه با انعطاف و نرمی و به دور از سرزنش، ملامت و منت گذاردن باشد.

۱- لَتَجَاهِدُ فِي اللَّهِ خَيْرَ جِهَادٍ  
 ۲- وَ التَّجِي لِلِإِلَهِ فِي كُلِّ أَمْرٍ  
 دُونَ لَوْمٍ مِنْ لَائِمٍ وَ انْتِثَاءِ  
 فَهُوَ أَقْوَى حِصْنٍ لَدَى الْإِتِّجَاءِ

۱- خود داری کردن، خود را نگه داشتن .

۲- ترجمه شده در بحث تقوی الهی، ص ۴۳





(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۶)

### ۳-۹- نماز

نماز نیز یک رکن از ارکان اساسی در اشعار فرطوسی به شمار می رود؛ زیرا شاعر این فریضه را از واجباتی می داند که ادای آن بر هر بنده ای واجب و ضروری است، پس او نیز به این امر مهم در اشعارش توجه داشته و تعهد خود را در قالب آن این گونه به تصویر می کشد که نماز ستون دین مبین اسلام و رکن اساسی آن است و به ما توصیه می کند که آن را به بهترین نحو و شیوه ادا کنیم.

### ۱- وَ عَمَّوْدُ الدِّينِ الصَّلَاةُ فَأَدِّوْا كُلَّ فَرِيضَةٍ مِنْهَا بِخَيْرٍ أَدَائِهَا

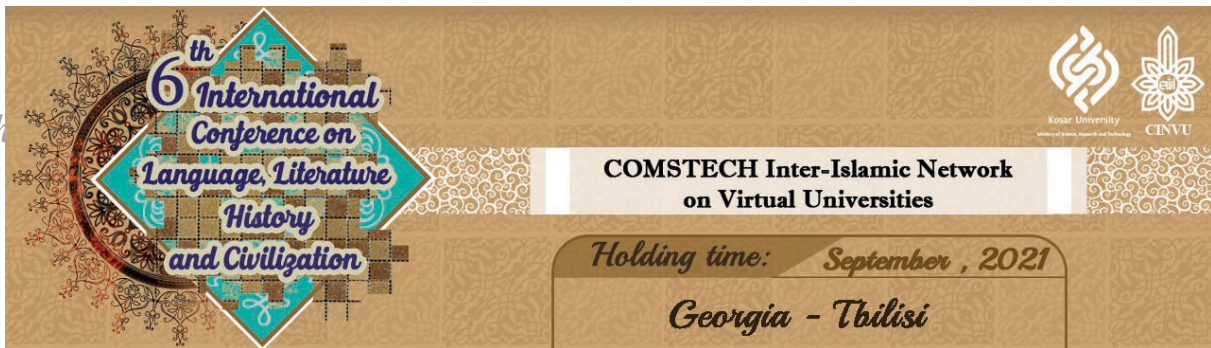
(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۱)

### ۴- مضامین اخلاقی در اشعار عبدالمنعم فرطوسی

اخلاق هر چند در بستر دین نشاط و سرزندگی ویژه ای دارد، بدون دین هم ممکن و مطلوب است و ما همگی این سخن معروف امام حسین (ع) را در واقعه ی کربلا شنیده ایم که می فرماید: «ای مردم اگر دین ندارید لااقل آزاد مرد باشید.» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۵۰) و یا این سخن مولا علی (ع) را که می فرماید: «حتی اگر اعتقادی به بهشت و جهنم نداشته باشیم، باز سزاوار آن است که به فضایل اخلاقی آراسته شویم، زیرا این فضایل خود مایه ی توفیق است.» (روزنامه رسالت، ۱۳۸۶: ۱)

بنابراین می توان گفت؛ خوبی افعال نه تنها در گرو امر خداوند نیست، بلکه این امر الهی است که به چیزی تعلق می گیرد که خوب باشد. بنابراین اوصاف اخلاقی، هویت مستقلی دارند و هستی خود را وامدار امر و نهی دینی نیستند. (شیمل؛ ۱۳۶۲: ۲۷۰)

مضامین اخلاقی و امور مربوط به آن موضوع اشعار بسیاری از شاعران معاصر عرب را تشکیل می دهد که عبدالمنعم فرطوسی نیز از این قاعده مستثنی نیست، بلکه حتی او از مشهورترین چهره هایی به شمار می آید که توجه ویژه ای به امر اخلاق و اوصاف اخلاقی داشته است. حساسیت این مسأله تا آن جاست که درون مایه ی اشعار فرطوسی باز هم در قالب پندها و موعظه هایی است که حول محورهایی همچون مشورت، دعوت به صبر و شکیبایی، دعوت به رعایت حقوق دیگران و.... می چرخد. در این مقاله به مختصری از مضامین اخلاقی که در جای جای اشعار این شاعر بزرگ هویداست اشاره می نمایم.



#### ۴-۱ - رعایت حقوق دیگران

فرطوسی بنا به وظیفه‌ی سنگینی که حس می‌کرد در این راه بر دوش او گذاشته شده به مسأله رعایت حقوق دیگران عنایت بسیاری نموده است. وی تعهد خود را در قبال رعایت حقوق دیگران بر موضوعاتی مشتمل بر رعایت حقوق دوستان، رعایت حقوق همسایگان و حقوق یتیمان گذارده است که اینک هر کدام را به صورت جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۴-۱-۱ - حقوق دوستان:

فرطوسی در ابیاتی ارادت خویش را نسبت به دوستان و نزدیکانش ابراز می‌دارد. وی در بیت نخست توصیه می‌کند که انسان هرگز نباید با دشمن دوست خود رابطه‌ی دوستی و مسالمت آمیزی برقرار کند؛ زیرا این امر باعث رواج بدبینی میان رابطه‌ی دوستی می‌گردد.

۱- قَطَّ لَا تَتَّخِذْ عَدُوَّ صَدِيقٍ لَكَ يَوْمًا مِنْ جَمَلَةِ الْأَصْدِقَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۷)

در ادامه، دوستی را نعمتی بزرگ می‌داند که خداوند آن را به انسان ارزانی داشته پس هر فردی باید در حفظ و نگهداری آن نهایت کوشش را به خرج دهد و هیچ‌گاه سهواً و عمدتاً بدون علت و خطایی از جانب دوستان و برادران، رابطه‌ی دوستی را خدشه دار نسازند و دشمنی نوزند.

۱- فَتَعَادِي الصَّدِيقِ مِنْ دُونِ جَرْمٍ كَانَ مِنْهُ مُسْتَوْجِبًا لِلْعِدَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۷)

۱- با دوستت بدون هیچ جرمی دشمنی نکن، گویا او سزاوار دشمنی کردن است.

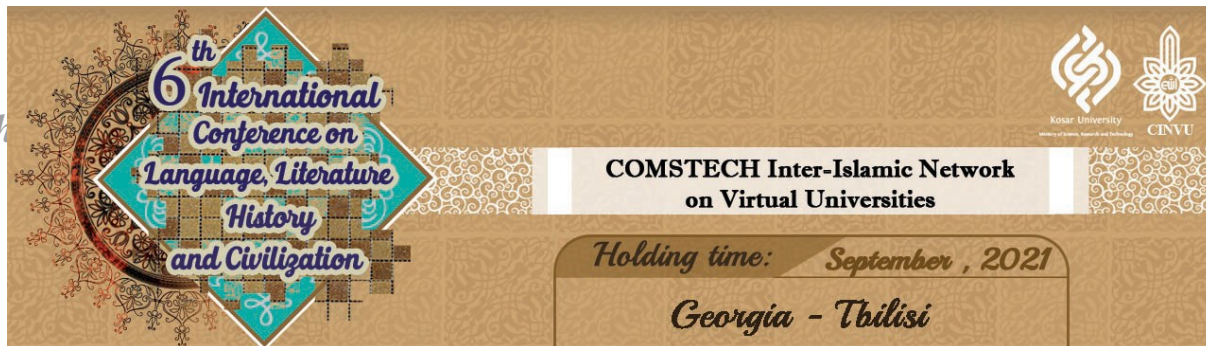
در ابیاتی دیگر فرطوسی دامنه‌ی تعهد خود را تا آن‌جا گسترش می‌دهد که حتی در مورد نحوه‌ی برخورد با دوستی که دشمنی می‌ورزد به ما توصیه می‌کند که با این‌گونه افراد با ملاحظت و نرمی رفتار کنیم تا شاید از این طریق، آنان از کرده‌ی خویش پشیمان گردند و از دشمنی دست برداشته و راه دوستی و محبت را در پیش گیرند. در صورتی که این چنین شود انسان بر این حقد و دشمنی پیروز خواهد شد و موفقیت و پیروزی نتیجه‌ی احسان و بخششی است که او از عمل نیک خویش می‌گیرد.

۱- وَالَّذِينَ لِلَّذِي يُغَالِظُ كَيْمًا لَكَ حَبًّا يَلِينُ بَعْدَ الْحَفَاءِ

۲- وَ تَفَضَّلَ عَلَى الْعَدُوِّ فَهَذَا ظَفَرٌ بَعْدَ مَنَّةٍ وَعَطَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۷)

باید این نکته را همواره در نظر داشت که گاهی ممکن است در روابط دوستانه میان افراد اختلافاتی و مشکلاتی به وقوع بپیوندد که منجر به قطع رابطه‌ی دوستی شود، لذا شاعر در این موارد وظیفه‌ی خود می‌داند که به مخاطب توصیه



کند که رشته‌ی مودت و دوستی را به طور کامل قطع نکند و همواره راهی برای بازگشت و برقراری ارتباطی دوباره باقی بگذارد.

۱- وَإِذَا مَا أُرِدْتَ قَطَعَ صَدِيقٍ  
 ۲- لَا تَسُدَّ الْأَبْوَابَ بَعْدَ رَجُوعٍ  
 إِبْقِ فِي النَّفْسِ مُدْخَالَ لِلْإِخَاءِ  
 مِنْهُ فِي وَجْهِهِ بِقَطْعِ الرَّجَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۷)

#### ۴-۱-۲- حقوق همسایگان:

از آن جایی که فرطوسی شاعر دینی و اخلاقی محسوب می‌شود به گونه‌ای احساس مسئولیت می‌کند و خود را ملزم به سرودن ابیاتی در این باب می‌داند؛ زیرا او نیز همچون دیگر افراد بشری به این حلقه‌های زنجیر پیوسته است. وی در ابیات زیر طبق وصیت پیامبر (ص) به رعایت حقوق همسایگان اشاره دارد و اهمیت این امر را تا آن جا بالا می‌داند که با تکیه بر این وصیت، انسان را به خوش رفتاری و حفظ حریم همسایگان و حقوق آن‌ها فرا می‌خواند به طوری که گویی در آینده به آن‌ها ارث خواهد رسید.

۱- واحفظوا كلکم وصیة طه  
 ۲- فهُوَ أَوْصَى بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَّنَا  
 فِي جَمِيعِ الْجِيرَانِ طَوْلَ الْبَقَاءِ  
 سَوْفَ يُعْطَى وَرَائَهُ الْأَقْرَبَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۱)

#### ۴-۱-۳- حقوق یتیمان:

فرطوسی در اشعار خود بیان می‌کند که نحوه‌ی تربیت و امرار و معاش یتیمان وظیفه‌ای است که هر فردی در زندگی در مقابل آن‌ها دارا است. همچنین شاعر سفارش ویژه‌ای در این خصوص دارد که مبادا از حقوق یتیمان غافل شوید و به امور آن‌ها رسیدگی نکنید به گونه‌ای که سفره‌های شما رنگین و سفره‌های آن‌ها خالی باشد.

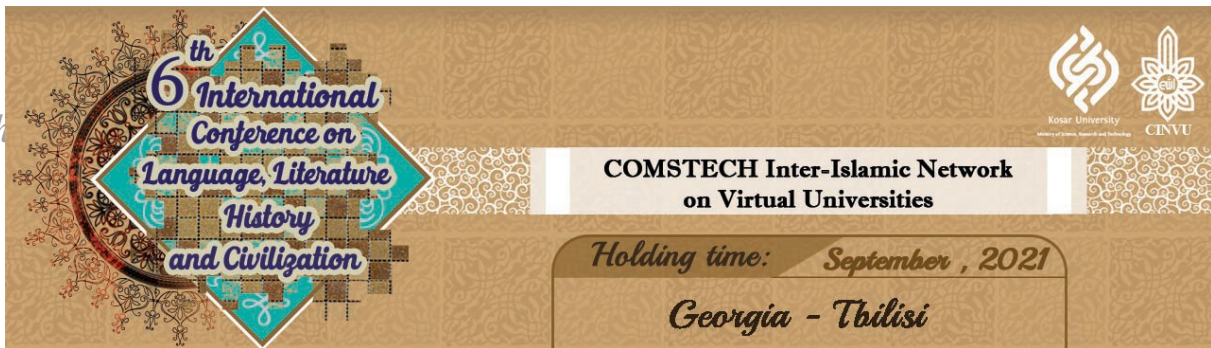
۱- وَ الْيَتَامَى اللَّهُ اللَّهُ فِيهِمْ  
 لَا تَغْبُوا أَفْوَاهَهُمْ فِي الْغَدَاءِ

(همان: ۱۹۱)

شیخ فرطوسی با بیانی پند گونه، آدمی را از خطری بر حذر می‌دارد که سرنوشت و سعادت انسان تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن خطر، پایمال کرد حقوق مظلوم‌ترین قشر جامعه است. در ادامه شاعر ارزش این مسئولیت را تا آن جا عظیم و بزرگ می‌داند که گویی هر کسی آن را به خوبی انجام دهد هم درجه و هم شأن مقام کسانی است که در راه خدا جهاد می‌کنند و به مقام والای شهادت نائل می‌آیند.

۱- وَ حَذَارًا بَأَنْ يَضِيعُوا وَ أَنْتُمْ  
 لِلْيَتَامَى فِي مَحْضَرِ الشُّهَدَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۱)



#### ۴-۲ - رازداری و نکوهش نام

نمایی یکی از پست ترین رذائل اخلاقی است که گاه افراد برای ایجاد تفرقه و دشمنی میان گروه های مختلف جامعه در طول ادوار گذشته تا به حال آن را دست مایه ی اهداف خویش قرار داده اند. با توجه به حساسیت این امر که ممکن است در زندگی تک تک افراد اتفاق بیفتد فرطوسی ابیات بسیاری را در دیوان خود بدان اختصاص می دهد به طور مثال در ابیات زیر بیان می دارد که باید همواره با روی خوش و احترام با دیگران برخورد کنیم و ریشه ی هر نوع دشمنی و کینه را در دل خویش از بین ببریم و قبل از این که نسبت به ماهیت واقعی فرد آگاهی یابیم بر مرکب قضاوت نشینیم و سخن او را تصدیق و تأیید نکنیم؛ زیرا هدف و نیت فرد بر ما پوشیده است هرچند که او در لباس ریا با نصیحت ظاهر شود؛ اما در حقیقت او خیانت کار است.

- |  |  |
|--|--|
| ۱- قَرَبَ النَّاسُ بِالسَّلَامَةِ أَطْلَقَ       | عَقَدَ الْحَقْدَ مِنْهُمْ بِالْوَلَاءِ   |
| ۲- وَصَلَ الْخَلْقُ بِالْإِخَاءِ مِنْكَ وَقَطَعَ | سَبَبَ الْوَتْرِ مِنْ حَبَالِ الْعَدَاءِ |
| ۳- لَا تُسَارِعْ جَهْلًا بِتَصْدِيقِ سَاعٍ       | قَبْلَ خَبْرِ لِحَالِهِ وَبَلَاءِ        |
| ۴- فَهُوَ بِالْغَشِّ قَدْ أَتَى وَتَرَدَّى       | لَكَ بِالنَّصِاحِ فِي ثِيَابِ الرِّيَاءِ |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۹)

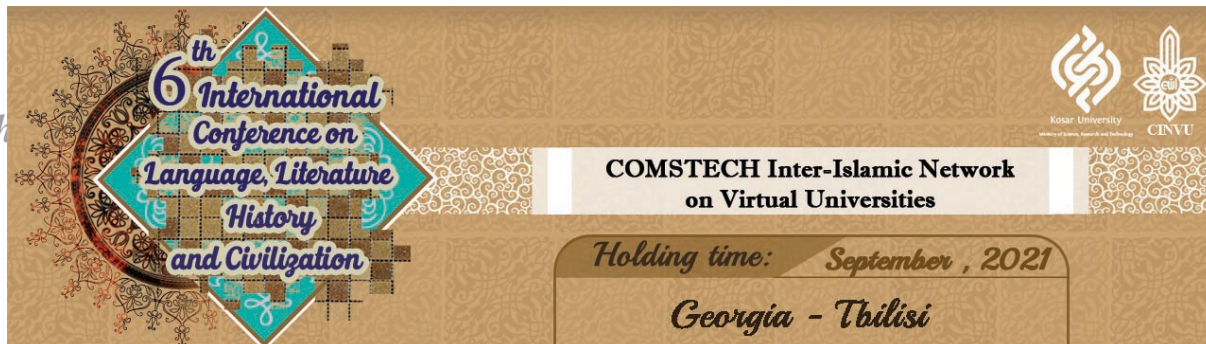
فرطوسی در ستایش و تمجید خصلت رازداری در خطاب به یکی از امیران و رهبران سیاسی مردم چین می سراید: تو پیشوا و امین مردم هستی، بر تو واجب است که عیوب و خطاهای مردم را پوشانی و از فاش کردن آن امتناع ورزی؛ چرا که تو رهبر و الگوی اخلاقی مردم به شمار می روی به همین دلیل تو در پرهیزگاری بر همه ی مردم سزاوار تر هستی. در بیت بعدی شاعر با تأکید ویژه ایی سفارش می کند که مبدا اسراری که در قلب تو به امانت گذارده اند آشکار کنی و آن چه را که همه می دانند تو منکر آن شوی و آن را پنهان کنی؛ زیرا که خداوند مهربان بر آن چه که از اسرار تو بر دیگران پوشیده است، قضاوت می کند.

- |   |   |
|---|---|
| ۱- أَنْتَ وَالِ وَ لِلرَّعَايَا عِيُوبَ     | وَ هُوَ أَوْلَى بِسِتْرِهَا فِي وَقَاءِ |
| ۲- لَا تَكْشِفْ مَا غَابَ عَنْكَ وَ طَهَّرْ | لَكَ مَا بَانَ ظَاهِرًا بِجَلَاءِ       |
| ۳- وَإِلَهُ الْعِبَادِ يَحْكُمُ فِيمَا      | غَابَ مِنْهَا لَعَلَّمَهُ بِالْخَفَاءِ  |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۹)

#### ۴-۳ - دعوت به مشورت و رایزنی

عبدالمنعم فرطوسی در اشعار ناب خود جایگاه مشورت و دعوت به آن را در زمره ی مسائل اخلاقی دارای درجه ای بس بلند و والا می بیند و به خاطر همین مسأله که می تواند تأثیر شگرفی در زندگی هر فردی بگذارد قبول مسئولیت



نموده و خود را ملزم به سرایش ابیاتی در این خصوص می‌داند. وی ابتدا انسان را از مشورت کردن با فرد بخیل و ترسو بر حذر می‌دارد؛ زیرا فرد ترسو عزم و اراده‌ی انسان را سست می‌گرداند و همچنین مشورت کردن با فرد حریص را منع می‌نماید؛ چرا که این فرد با حرص و طمعش، زشتی‌ها را به سود خود در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد. افرادی که دارای صفاتی چون حرص و بخل و ترس هستند آن چنان انسان را در هم صحبتی به بیراهه می‌کشاند که گاه گویی آدمی نسبت به پروردگار جهانیان بدگمان می‌شود.

- |  |                              |
|--|------------------------------|
| ۱- لا تُشاورُ قومًا فَتَدْخُلَ فِيهِمْ   | رجلاً واحداً من البخلاءِ     |
| ۲- او جباناً يَضَعُ العزمَ جباناً        | منكَ في كلِّ جرأهٍ و مضاءِ   |
| ۳- او حريصاً يزيّنُ الشره المذموم        | حرصاً بالجرورِ و الإعتداءِ   |
| ۴- فاجتنبهم فالْبُخْلُ و الجُبْنُ و الحر | صُ صفات مقرونة بالهجاءِ      |
| ۵- و هي شتي و يجمعُ الكل منها            | سوءِ ظنٍّ منهم بربِّ السماءِ |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۹-۱۵۰)

شاعر در ابیاتی دیگر انسان را از مشورت کردن با قشر وسیع زنان بر حذر می‌دارد. در آغاز آدمی را سفارش می‌کند تا از شنیدن و همچنین نقل سخنان بی محتوا و سبک امتناع ورزد و سپس به نکته‌ی قابل اهمیت مشورت می‌پردازد. از این طریق مشورت کردن با زنان را در تمامی عرصه‌های زندگی به ویژه امر سیاست منع می‌کند و دلیل آن را کوتاه فکری و سست اندیشی که برگرفته از احساسات و عواطف شدیدشان است، بیان می‌کند.

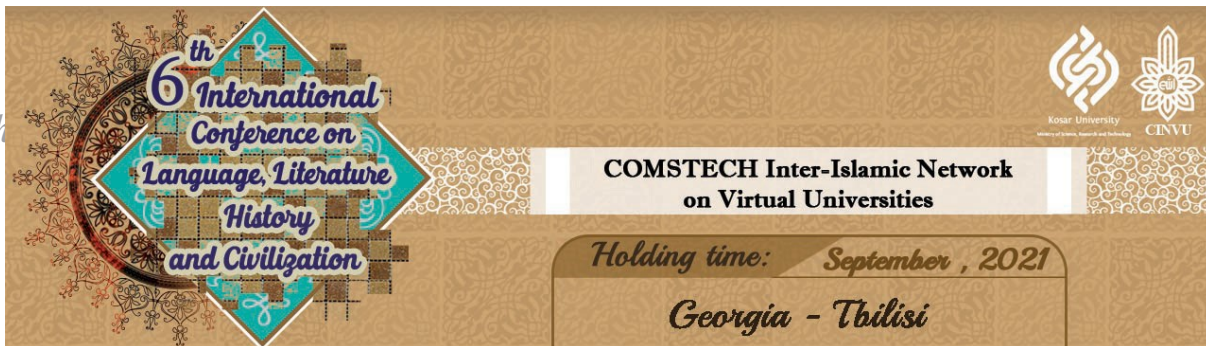
- |                                   |                              |
|-----------------------------------|------------------------------|
| ۱- و تباعدُ عن مُضحك القولِ حتى   | في حديثٍ عن غائبٍ متنائِ     |
| ۲- لا تُشاورُ بالرأى في كلِّ أمرٍ | لكَ عند الشورى جميعَ النساءِ |
| ۳- أفنُّ رأيهنَّ طراً و وهن       | كلُّ عزمٍ منهنَّ دونَ غناءِ  |

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۰، ۱۸۹)

فرطوسی در قسمت دیگر از اشعارش انسان را از مشورت کردن با افراد جاهل نادان رهنمون می‌سازد و ثمره‌ی این عمل را از دست دادن فرصت‌ها و در پی آن نابودی دنیا و آخرت بشر پیش بینی می‌کند که این امر خود به تنهایی بدترین عاقبت است.

- |                                  |                           |
|----------------------------------|---------------------------|
| ۱- لا تَبِعْ جاهلاً بدنياك خسراً | قط أحرکَ فهو شرُّ الشراءِ |
|----------------------------------|---------------------------|

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۶)



#### ۴-۴ - دعوت به صبر و بردباری

فرطوسی بخشی از اشعار خود را در باب صبر و بردباری می سراید. وی ما را از هر گونه شتاب زدگی و عجله بر حذر می دارد؛ زیرا عجله در کارها موجب آلودگی و سقوط می گردد و انسان تهذیب شده را سزاوار نیست که خود را در پرتگاه کوچکتین آلودگی قرار دهد.

۱- **وَدَعِ الاستعجالَ فی کلِّ امرٍ عنکَ قبلَ الأوانِ دونَ ارعواءِ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۰)

در ادامه ی ابیات شاعر در مقابل عجله در کارها، از سستی و تنبلی در کاری که موعد آن رسیده اما ما توجهی به آن نداریم (صبر بیش از حد) صحبت کرده و توصیه می کند از این امر پرهیز کنیم؛ زیرا این کار موجب از دست دادن فرصت ها و تباه شدن آینده می شود.

۱- **و التوانی عن فعلٍ ما فیهِ تعنی**  
 ۲- **و تجنّب عن اللجاجة بعداً**  
 عندَ إمکانه بغیرِ اعتناءِ  
 فی أمورٍ تنکرت بالخفِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۰)

در قسمتی دیگر از ابیات فرطوسی تعهد خود را در فرو بردن خشم و غیظ به هنگام قدرت و داشتن سعه ی صدر به هنگام غضب این گونه بیان می دارد و به ما سفارش می کند و انسان را از تعجیل در عقاب و کيفر کردن منع می کند؛ چرا که هیچ فردی این امر را نمی ستاید.

۱- **و العُقوباتِ مِنکَ لا تبجّج**  
 ۲- **لا تبادر للأمر ما دامَ عنهُ**  
 حینَ تعرّو فیها بأیّ ثناءِ  
 لکَ مندوحةً بدونَ عناءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۷)

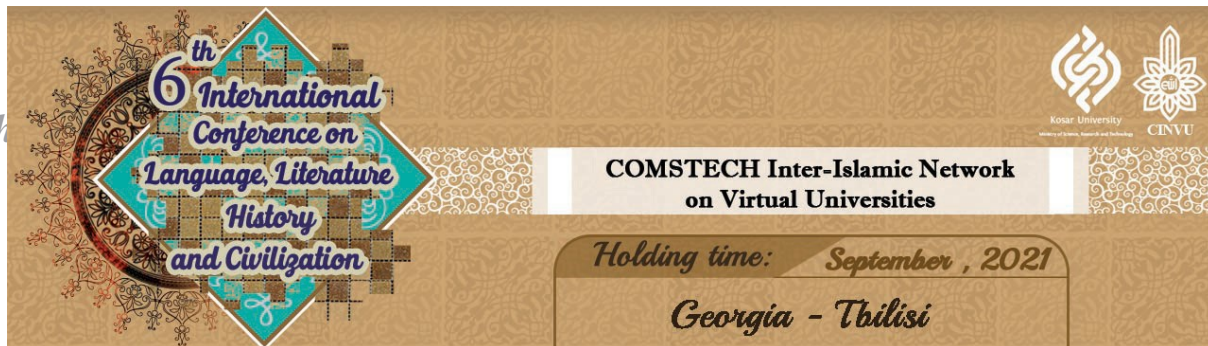
فرطوسی در ادامه بیان می دارد که در هنگام چشم پوشی از خطای دیگران و بخشش و گذشت آن ها صبر پیشه کنیم و هرگز پشیمان نشویم؛ زیرا که این کار از خوی بزرگان است.

۱- **لا تکن نادماً علی کلِّ عفوٍ**  
 فهُوَ خُلِقَ یلیقَ بالروساءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۷)

فرطوسی بار دیگر بر مسند موعظه می نشیند و از مومنان می خواهد تا برادران دینی خویش را به بهترین کارها و راه ها راهنمایی و هدایت کنند و نصیحت نیکو را به ایشان بیاموزند. شاعر از سوی دیگر چنین توصیه می کند آن چه از خشونت و غضب بر کام تو وارد می شود را با شیرینی صبر و شکیبایی، فرو ببر که صبر و بردباری بهترین و لذیذ ترین درمان برای بیماری و درد بی امان خشم و غضب است.

۱- **و لتزودَ أخاکَ بالنصحِ محضاً**  
 ۲- **و تجرّعَ مرارةً الغیظِ صبراً**  
 حسناً کانَ أو قبیحَ الأداءِ  
 جرعةً بعدَ جرعةٍ باحتساءِ



### ۳- فهو عند العقبى الذّ و أحلى جرعة للشفاء من شيرِ اءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۷)

#### ۴-۵ - دعوت به عدالت

با نگاهی گذرا به دیوان شیخ عبدالمنعم فرطوسی، خواهیم دید که وی عدالت را یکی از ارکان مهم و اساسی زندگی بشری توصیف می کند، او در ابیات زیرین به شیوه‌ای پند گونه به نصیحت در این خصوص می پردازد و از ما می خواهد در طول زندگی خویش و در همه حال دنباله رو حق و عدالت باشیم، هر چند که در این راه ممکن است سختی هایی را متحمل شویم؛ اما هیچ گاه از آن غافل نباشیم و در این راه ضعف و سستی به خرج ندهیم.

- ۱- و اطلب الحقّ فی غمارِ المنايا وَ تَحْمَلُ فِي الْحَقِّ كُلَّ عَنَاءِ
- ۲- لَا تَكُنْ مَعْرُضًا عَنِ النَّصْحِ صَفْحًا فَهُوَ عِنْدَ السَّقَامِ خَيْرُ دَوَاءِ
- ۳- كُلُّ عِلْمٍ لَا يُنْفَعُ الْمَرْءَ فِيهِ فَهُوَ لَا خَيْرَ فِيهِ عِنْدَ الْأَدَاءِ

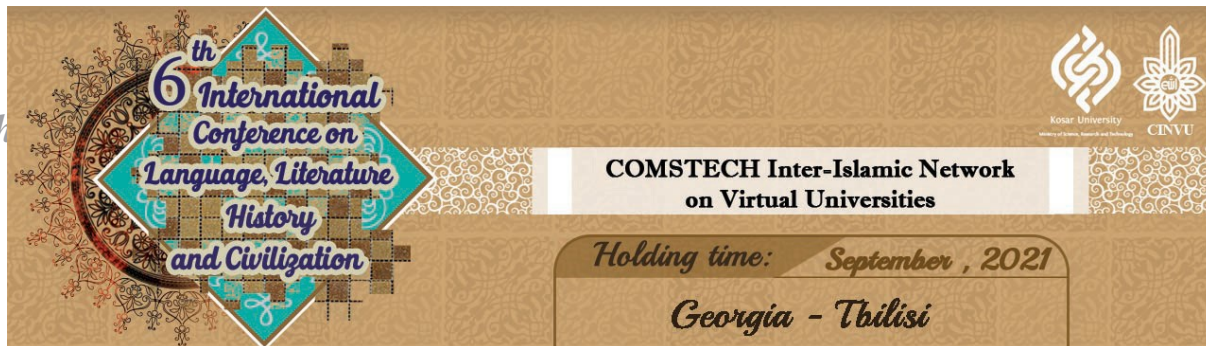
(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۶)

شاعر در قسمت دیگر از دیوان خود دعوت به عدالت و انصاف را این گونه به تصویر می کشد که انسان باید در همه حال حق و حقیقت را جستجو کند و آن را شالوده ی زندگی خویش قرار دهد و بدون هیچ کینه و دشمنی چه با مردم و چه با خویشاوندان نزدیک که آن ها را بسیار دوست می دارد، انصاف و عدالت را رعایت کند؛ زیرا اگر چنین نکند به حقوق بندگان خدا تجاوز کرده و ظالم محسوب می شود و هر فردی که بر مرکب ظلم بنشیند، دشمن خداست و آن کس که با دشمنی با خدا بر می خیزد هر دلیل، برهان و حجتی را که بیاورد باطل و بیهوده است.

- ۱- أَنْصَفِ اللَّهُ أَنْصَفَ النَّاسِ طَرًّا مِنْكَ فِي الْحَقِّ دُونَ أَيِّ اعْتِدَاءِ
- ۲- وَ مِنْ الْأَهْلِ وَ الرَّعِيَةِ مَمَّنْ لَكَ فِيهِ هَوَى وَ حَبْلَ وَّلَاءِ
- ۳- وَ بَغِيرِ الْإِنصَافِ تَجْحَفُ ظَلَمًا بِحَقُوقِ الْعِبَادِ دُونَ إِرعَاوَاءِ
- ۴- فَهُوَ لِلظَّالِمِينَ يَوْمَ التَّنَادِ دُونَ بَاقِي الْوَرَى مِنْ الْخَصَمَاءِ
- ۵- وَ هُوَ مِنْ كَانِ خَصَمَهُ مِنْهُ تَمَضَى بَاطِلًا كُلُّ حِجَّةٍ وَادِّعَاءِ
- ۶- وَ هُوَ حَرَبَ اللَّهُ مَا دَامَ فِيهِ عَامِلًا دُونَ تَوْبَةٍ وَ اخْتِشَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۸)

در ابیات زیرین شاعر به طور کلی ستم و ظلم کردن را در شئون اسلامی و در جوامع بشری رد می کند؛ اما بدترین نوع ظلم را، ظلم به قشر ضعیف جامعه بیان می دارد، خصوصاً اگر این ظلم از جانب افراد قدرتمند و ثروتمند بر آن ها جاری شود. وی در بیت دیگر اقشار ستمدیده و مظلوم را مورد خطاب قرار می دهد و این چنین عنوان می دارد که آن هنگام



که در شرایطی قرار گرفتید که سکوت شما نیز اعتراض و درشتی محسوب می شود، پس ساکت نشینید و اعتراض خویش را به ظلم اعلام دارید.

۱- **إِنَّ ظَلَمَ الضَّعِيفُ أَفْحَشَ ظَلَمٍ**      **حِينَ يَعْرِوْهُ مِنَ الْأَقْوِيَاءِ**  
 ۲- **وَ إِذَا الرِّفْقُ كَانَ خَرْقًا فَخَرْقَ الْ**      **مِرَّةً رَفِقٌ مِنْهُ بَحْدٌ سَوَاءٍ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۶)

#### ۴-۶ - در نکوهش کبر و غرور

فرطوسی همچون دیگر شاعران متعهد و اخلاق گرا به مسأله ی کبر و غرور و آفت های ناشی از آن توجه داشته است. از دیدگاه وی یکی از نشانه های بارز کبر و غرور، خود پسندی و خود برتر بینی است، که هر مسلمانی باید خود را از این آفت دامنگیر دور کند؛ زیرا بارزترین پیامد این خصلت دوری از تضرع به درگاه خداوند متعال و در نهایت مبتلا شدن به بیماری و انزوا را در پی دارد. از طرف دیگر راه نفوذ شیطان را به تمامی مسیرهای اعتقادی و فکری باز می گذارد. ضایعه ی بزرگ خودپسندی و غرور چنان مخرب است که تمامی اعمال نیک انسان را ضایع و تباه می سازد.

۱- **وَ تَنَحَّ الإِعْجَابُ بِالنَّفْسِ هَجْرًا**      **وَ ابْتِعَادًا عَنْهُ وَ حَبَّ الثَّنَاءِ**  
 ۲- **فَهُوَ أَمْرٌ تَعَطَّى لِابْلِيسَ فِيهِ**      **فِرْصَةً الْقُرْبَ مِنْكَ بَعْدَ الثَّنَائِي**  
 ۳- **حَسَنَاتُ الْإِنْسَانِ تَمُحَقُّ مِنْهُ**      **فِيهِ عِنْدَ الْإِغْرَاءِ بِالْكَبْرِيَاءِ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۰)

فرطوسی در ادامه ی ایباتش به یکی دیگر از نشانه های مخرب غرور اشاره دارد که تأثیرات منفی آن علاوه بر این که حیطه ی فردی انسان و زندگی شخصی وی را فرا می گیرد، موجی از ضعف و حقارت را بر اطرافیان، به بیان دیگر جامعه تحمیل می کند و آن پدیده ی تلخ منت گذاری است. شاعر خواهان کرم و بخششی است که به دور از توقع و منت گذاری باشد؛ زیرا این امر اجر و ارزش آن کار نیک و احسان را کم رنگ می کند.

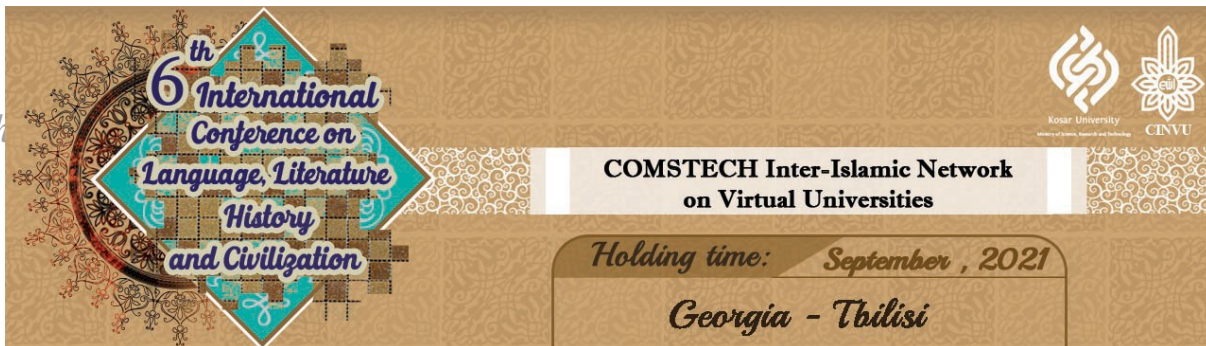
۱- **وَدَعَ الْمَنُّ حِينَ تَحْسَنُ فُضَالًا**      **لِلرَّعَايَا بِسَابِغِ الْآلَاءِ**  
 ۲- **حَيْثُ أَنَّ الْمَنَّ الذَّمِيمَ عَلَيْهِم**      **مُبْطِلٌ لِلْإِحْسَانِ وَ النَّعْمَاءِ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۷۰)

#### ۴-۷ - دعوت به عفاف و پاکدامنی

فرطوسی حفظ حجاب و رعایت حریم را یکی از مستحکم ترین دژهای ایمانی معرفی می کند که همواره انسان را از خطرهای ناشی از نظر بازی، فسادهای اخلاقی و روحی، هیجانات شدید و زود گذر و.... در امان می دارد و همچون صدفی عمل می کند که تا گشوده نشود مروارید درون آن از نظرها پنهان می ماند و بر بانوان مسلمان سفارش می کند که در سایه ی ایمان و اخلاص خداوندی حجابشان را محکم تر کنند.





۱- وَ لَتَكْفَّ الْأَبْصَارَ مِنْهُنَّ صَوْنًا      وَ حِجَابًا لَهُنَّ عَن كُلِّ رَائِي  
 ۲- وَ لَتَشَدَّدَ حِجَابَهُنَّ احْتِفَاطًا      فَهُوَ أَبْقَى لَهُنَّ طَوْلَ الْبَقَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۹۰)

فرطوسی در قسمتی دیگر از اشعار خود تأکید می کند که عفاف تنها مخصوص رعایت حجاب ظاهری نیست بلکه بر هر فردی واجب است که نفس درون خود را از هر گونه زشتی و پلیدی حفظ کند و افسار عقل و خرد خود را به آن نسپارد.

۱- أَكْرَمِ النَّفْسِ عَن دَنِيَّةٍ فَعَلٍ      لَكَ سَاقَتِ رَغَائِبِ الْأَهْوَاءِ  
 (فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۵)

۱- نفس خود را از هر بدی باز دار، هر چند که تو را به آرزوهایت سوق دهد.  
 شاعر عفاف و پاکدامنی را در گذران زندگی این گونه به تصویر می کشد و بیان می دارد که زندگی در رفاه کمتر؛ اما پاک و بی آلائی در جریان باشد بسی بهتر است از زندگی ای که ثروت و رفاه به دست آمده در آن آمیخته با گناه و زشتی ها در گذر باشد. وی این گونه زندگی کردن را به کلی رد می کند و معتقد است انسان در این عمل در حقیقت به خود ظلم می کند و خود را به وادی زیان و آسیب سوق می دهد.

۱- حَرْفَةٌ جَنْبُ عَقَّةٍ هِيَ خَيْرٌ      مِنْ غَنِيٍّ طَائِلٍ مَعَ الْفَحْشَاءِ  
 ۲- رُبَّ سَاعٍ بِمَا يَضُرُّ فِيهِ      دُونَ عِلْمٍ مِنْهُ بِجَلْبِ الْبَلَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۵)

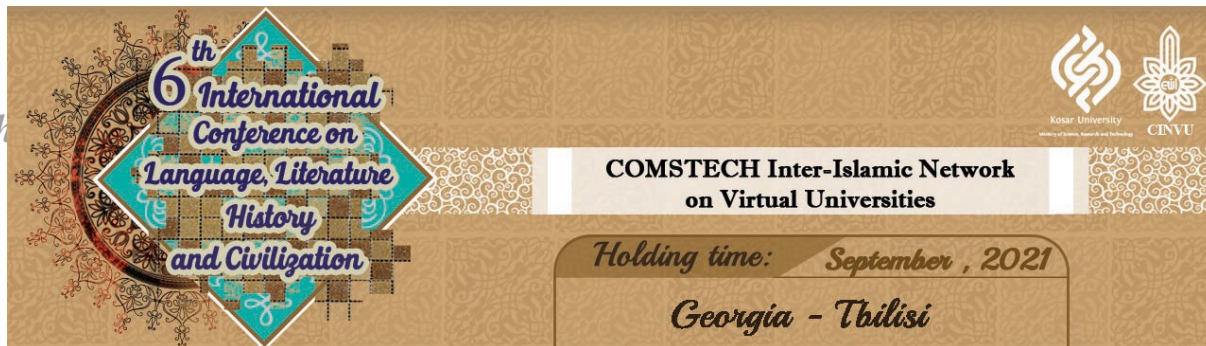
فرطوسی در ادامه و تکمیل مبحث عفاف، به پاکدامنی و حیا در سخن گفتن اشاره می کند و انسان را ملزم می دارد که با زیاده گویی و بیهوده گویی شأن و شخصیت خویش را سبک نسازد و پایین نیاورد. وی توصیه می کند که هر انسانی باید ارزش کلام و سخن را ارج نهد تا بدین وسیله به بهترین مسیر هدایت شود

۱- يَهْجُرُ الْمَرْءُ حِينَ يَكْثُرُ نَطْقًا      فَتَفَكَّرُ تُبْصِرُ بِخَيْرِ اهْتِدَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۵)

#### ۴-۸ - خوش خلقی

یکی دیگر از مسائل و فضایل اخلاقی که عبدالمنعم فرطوسی در دیوانش به چشم می خورد مسأله‌ی خوش خلقی و احترام گذاشتن به دیگران است. شاعر یکی از راه های بهبود زندگی اجتماعی بشر در جوامع انسانی را خوش خلقی و ملامت در برخورد و معاشرت با دیگر برادران و همچنین صداقت پیشه کردن در روابط دوستانه ی خود با دیگران می داند؛ چرا که خوش خلقی بهترین جامه و پوشش برای قلب انسان است. خوی بد و ناپسند آدمی در برقراری روابط،



انسان را هم تراز و هم شأن حیوانات می کند؛ زیرا آن ها برای رفع حاجات و نیازهای اولیه ی خود اقدام به خشونت و آداب وحشیانه ی شکار می کنند.

- ۱- أَشْعَرَ الْقَلْبَ لِلرَّعِيَّةِ طَرًّا  
 ۲- وَ تَعَطَّفَ عَلَيْهِمْ بَحْنَانٍ  
 ۳- لَا تَكُنْ مِنْ شِرَاسَةِ النَّفْسِ فِيهِمْ  
 مِنْكَ فِي رَحْمَةٍ وَ صِدْقٍ وَ لَاءٍ  
 وَ تَلَطَّفَ بِهِمْ بَغْيِرٍ جَفَاءٍ  
 سُبْعًا ضَارِيًا أَشَدَّ ضِرَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۶)

شاعر در ادمه ی ابیات مردم را به دو دسته تقسیم می کند و معتقد است یک گروه از مردم را افرادی شامل می شوند که با ما در دین و اعتقاد وجوهات مشترک زیادی دارند و برادران دینی و ایمانی انسان به شمار می روند. گروه دیگر کسانی هستند که ممکن است در اعتقاد، ایمان و افکار دارای اختلافات بسیاری باشند؛ اما در آفرینش و خلقت مانند یکدیگر آفریده شده اند، هرچند که دچار مشکلات، مبتلا به بیماری ها، مرتکب گناهان شده باشند؛ اما آدمی در برابر همه ی انسان ها و مخلوقات خداوند مسئول و ملزم به خوش خلقی است.

- ۱- فَهَمَّ إِنْ نَظَرَتْ صَنَفَانِ صَنَوًّا  
 ۲- وَ نَظِيرٌ فِي الْخَلْقِ يَفْرَطُ مِنْهُمْ  
 ۳- يَقَعُ الْعَمْدُ مِنْهُمْ فِي الْخَطَايَا  
 لَكَ فِي الدِّينِ مِنْ رِجَالِ الْأَخْيَارِ  
 زَلُّ عَرْضَةٍ إِلَى كُلِّ دَاءٍ  
 وَ هُمْ مَعْرُضٌ إِلَى الْأَخْطَاءِ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۴۷)

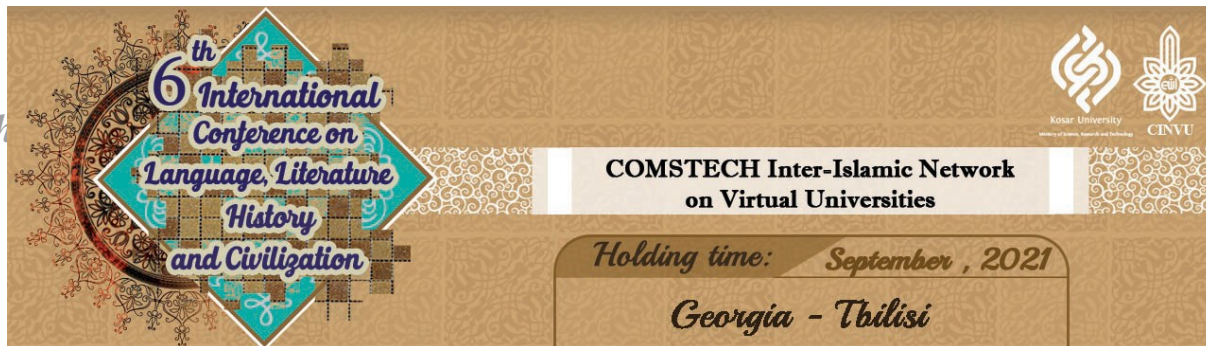
#### ۹-۴ - دنیا زدگی

دنیا زدگی به معنای ارتباط پست و دل بستگی نفسانی با هر امری از امور عالم است، چه امور مادی و چه امور معنوی. این دنیا زدگی است که آدمی را به انحطاط می کشاند و روابط تباه و مناسبت های آلوده سوق می دهد. شیخ فرطوسی مجموعه ایاتی را در دیوان خود به این امر اختصاص داده است. وی در یکی از اشعار خود از کلام خداوند بلند مرتبه الهام می گیرد که دنیا را دار فتنه و بلایی معرفی می کند که ممکن است این فتنه و بلا دامن هر انسانی در جامعه را بگیرد. همچنین شاعر در بیت بعد گویی به دنیا جان بخشیده و آن را شخص خائن و بی وفایی توصیف می کند که نمی توان به آن اعتماد کرد.

- ۱- إِنْ رَبَّ الْعِبَادِ نَبَّأَ عَنْهَا  
 ۲- وَ هِيَ بِالْغَدْرِ لِلْمَقِيمِينَ فِيهَا  
 أَتَّهَمُ دَارُ فِتْنَةٍ وَ ابْتِلَاءٍ  
 نَعَتَتْ نَفْسَهَا بَغْيِرٍ وَ فِئَاءٍ

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۳)

در ادامه شاعر افرادی را که دل بسته ی دنیا و زرق و برق زود گذر آن شده اند را گاهی همچون سگ هایی توصیف کرده که دائماً پارس می کنند و برای کسب قدرت و ثروت بیشتر خود را هلاک می کنند و یا گاهی آنان را حیوانات



وحشی و درنده ای وصف می کند که همواره برای دست یافتن به شکار و مقصود خود حاضرند دست به هر کاری بزنند.

۱- **إِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ تَعَاوَتْ** و **سِبَاعٌ تَضَرَّى أَشَدَّ ضَرَاةٍ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۳)

دنیایی که قدرتمندان و زور مندان بر ضعیفان و ناتوانان می تازند و هجوم می برند و تمایلات خود را هر گونه که بخواهند، ارضا می نمایند. این افراد منافع مردمان را به راحتی در پای مطامع خود قربانی می کنند و به همه چیز تجاوز می کنند، حتی بعضی از آن ها به خاطر همین منافع (قدرت و ثروت) بر یکدیگر می غرند و به دشمنی و دعوا بر می خیزند.

۱- **يَأْكُلُ الْأَكْبَرُ الصَّغِيرَ وَيَسْطُو** **أَقْوِيَاءَ مِنْهُمْ عَلَى الضُّعْفَاءِ**  
 ۲- **وَعَلَى بَعْضِهِمْ يَهْرُ وَيَعْدُو** **بَعْضُهُمْ مِنْ تَكَالِبٍ وَاعْتِدَاءِ**

(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۴)

در ادامه فرطوسی بیان می دارد این گونه افرادی که دچار دنیا زدگی شده اند آن چنان شیفته و دل باخته ی دنیا می شوند که همواره از آن اطاعت می کنند گویی که آن ها بنده ی دنیا هستند و دنیا پروردگارشان شده است به همین علت دنیا زدگی این افراد بدان جا می رسد که آرزوها و منافع بیشتری را می خواهند به دست آورند، پس دنیا آن ها را به سخره می گیرد و غرق در رفاه و نعمت فراوان می کند، آن ها نیز فرصت را مغتنم می شمترند و هر آن چه که از متاع و کالای دنیوی که وجود دارد را طلب می کنند و این در حالی است که آخرت را به دست فراموشی سپرده اند و به آن توجهی ندارند.

۱- **وَأَطَاعُوا الدُّنْيَا فَكَانُوا عِبِيدًا** و **هِيَ رَبٌّ لَهُمْ بَغِيْرَ أَرْعِيَاءِ**  
 ۲- **وَأَسْتَدْرُوا مِنْهَا الرِّغَائِبُ حَتَّى** **أَغْرَقْتَهُمْ فِي نِعْمَةٍ وَرَحَاءِ**  
 ۳- **وَأَصْطَفُوا مَا أَمَامَهُمْ مِنْ مَتَاعٍ** **وَنَسُوا مَا يَهْوِلُهُمْ مِنْ وَرَاءِ**

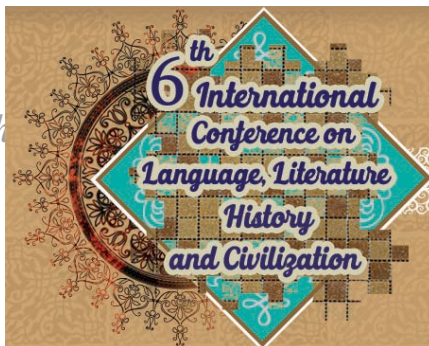
(فرطوسی؛ ۱۹۷۸: ۱۸۴)

و در نهایت از آن چه که گفته شد می فهمیم که دنیا، این خانه ی فتنه و بلا، این بدبختان را به بازیچه گرفته و آنها نیز چنان غرق در لذات دنیوی شده اند، که با سردرگمی شان با دنیا به بازی می پردازند در حالی که از سرنوشت و عاقبت خود بی خبرند.

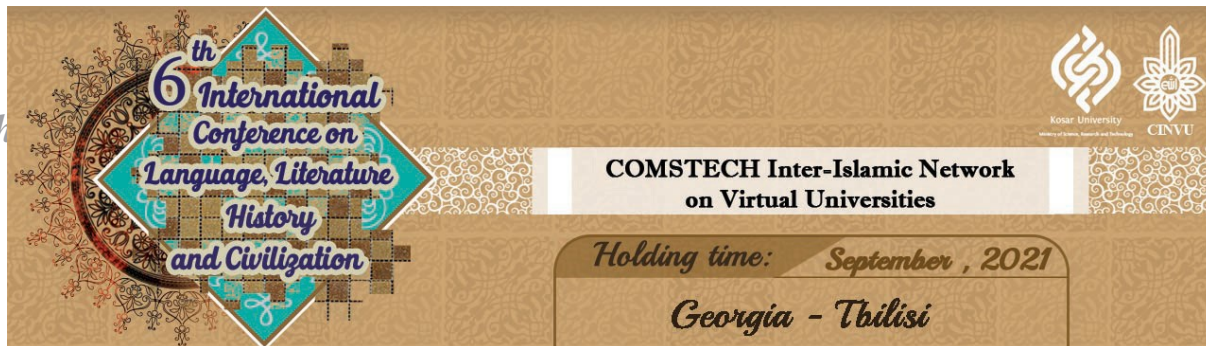
۱- **لَعَبْتَ فِيهِمْ غُرُورًا وَ فِيهَا** **لَعَبُوا مِنْ غَوَايَةِ وَ شَقَاءِ** (همان: ۱۸۴)

۵- نتیجه گیری:

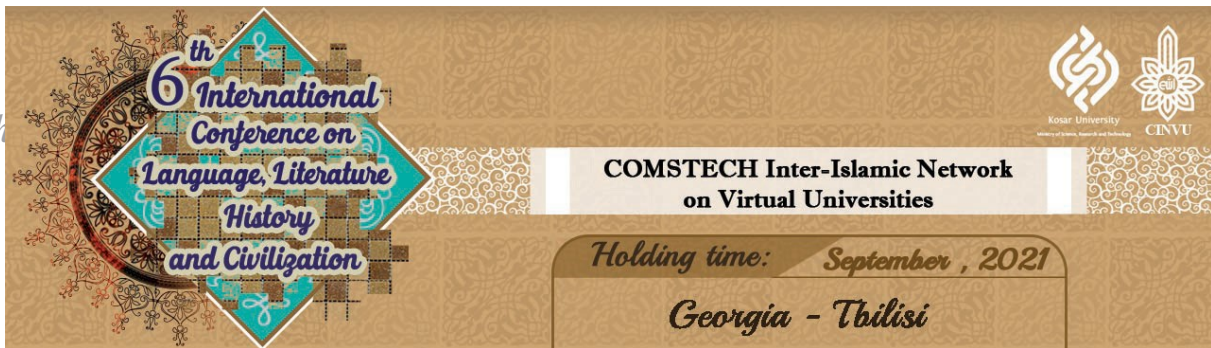
۵-۱- با توجه به بررسی انجام شده می توان گفت که شیخ عبدالمنعم فرطوسی ارشادات و نصایح خود را در قالب مضامین اعتقادی و دینی این گونه به تصویر می کشد که شامل موارد زیر است:



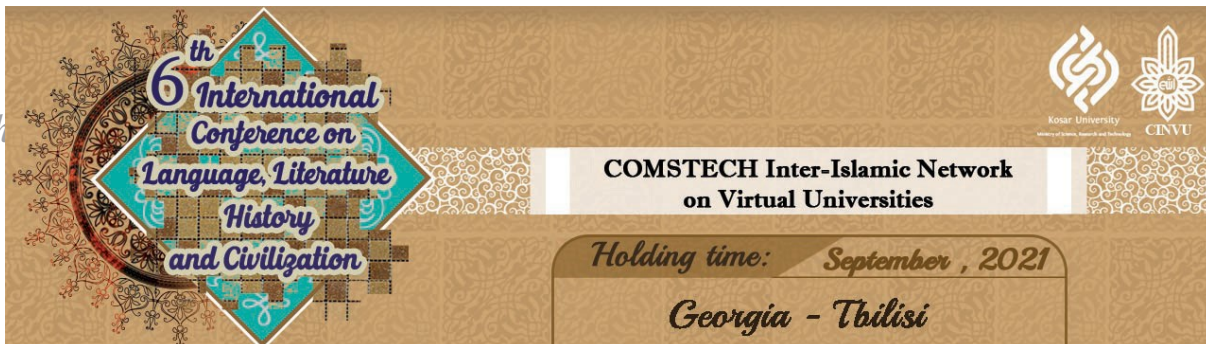
- وی شناخت دین و عشق به پروردگار را بهترین تصدیق برای وجود پروردگار و اثبات توحید معرفی می کند؛ زیرا معتقد است تصدیق وجود خداوند همانا اعتراف به یکتایی او و بی نیاز دانستن او از هرگونه شریک و نیاز می باشد. در قسمتی دیگر شاعر، جهان هستی با همه ی اجزایش را بهترین نمونه برای اثبات توحید معرفی می کند و عقیده دارد که اگر اندکی به این جهان و نظم دقیقش که بر جای جای آن سیطه افکنده بنگریم به وجود خالق آشکار و یگانه ای پی می بریم که این جهان را با چه عظمت و شکوهی آفریده است.
- عبدالمنعم فرطوسی از یک سو تقوای الهی و چنگ زدن به ریسمان محکم آن را موجب دست یابی به سعادت دنیوی و آخروی هر فردی بیان می کند و از سوی دیگر توسل به انبیاء و اولیاء الهی را ابزار رسیدن به سعادت حقیقی بشر بر می شمرد. شاعر کتاب خداوند (قرآن) را نور و چراغ هدایت بشری معرفی می کند و آموختن اصول و احکام آن را در مراحل مختلف زندگی برای رسیدن به سعادت دنیوی و آخروی که همانا هدف و مقصد تمامی اولیاء الهی است را خواستار است.
- فرطوسی دعا را یکی از اصول مهم و اساسی دینی بر می شمرد و آن را از ذخائر ارز شمند و گنجینه های رحمت و بخشش الهی می داند و در اشعار خویش انسان را به دعا کردن دعوت می نماید؛ چرا که معتقد است دعا کلید گشایش این گنجینه های رحمت است.
- شاعر بنا به تعهدی که در امور دینی در اشعار خویش احساس می کند، بهترین راه رهایی از جهالت و نادانی انسان را زنده نگه داشتن یاد مرگ در قلب و جان انسان مومن می داند؛ زیرا که معتقد است که انسان می تواند از این طریق نفس سرکش خویش را مهار کرده و آن را از بیراهه و سردرگمی نجات دهد.
- یکی دیگر از مهم ترین و اصولی ترین اموری که فرطوسی به صورتی بس گسترده بدان عنایت دارد و آن را سرلوحه ی زندگی هر مسلمانی می داند، مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر است. او و جدان و نفس را بهترین میزان برای تشخیص نیکی ها از بدی ها بیان می کند و عنوان می دارد که آدمی باید همواره از خودخواهی و ظلم به دیگران پرهیزد و تا آن جا که می تواند احسان و نیکی را سرلوحه ی تعامل با دیگران قرار دهد.
- فرطوسی در اشعار خویش از مسأله ی نبوت و نیاز به آن نیز غافل نشده و پیامبران را در قالب آگاه ترین هادیان بشر در اشعار خود معرفی نموده و از ما می خواهد با بهره گیری از پندهایشان مسیر سلوک الهی را از بیراهه تشخیص دهیم.
- شیخ فرطوسی در جای جای مجموعه شعری خویش از جهاد سخن به میان آورده و این گونه بیان می دارد که آدمی همواره باید با هر آن چه که در اختیار دارد اعم از جان، مال و حتی زبان در راه تحقق اراده ی خداوندی به جهاد و پیکار با خویش و یا ظالمان پردازد.



- ۲-۵- شیخ عبدالمنعم فرطوسی در اشعار خود مضامین اخلاقی را این گونه به تصویر می کشد که شامل موارد زیر است:
- فرطوسی رعایت حقوق دیگران را مشتمل بر رعایت حقوق دوستان، رعایت حقوق همسایگان و حقوق یتیمان گذارده است. وی دوستی را نعمتی بزرگ می داند که خداوند آن را به انسان ارزانی داشته است پس هر فردی باید در حفظ و نگهداری آن نهایت کوشش را به خرج دهد و بدون علت رابطه ی دوستی را خدشه دار نسازد و دشمنی نوزد. فرطوسی در بیان رعایت حقوق همسایگان از این وصیت پیامبر بهره گرفته که انسان همواره باید با خوش رفتاری و حفظ حریم همسایگان به حقوق آن ها احترام بگذارد به طوری که گویی در آینده به آن ها ارث خواهد رسید. شاعر بنا به اهمیت خطیری که مسأله ی حقوق یتیمان داراست، رعایت آن را امری مهم می داند و آدمی را از خطری برحذر می دارد که سرنوشت و سعادت انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و آن خطر پایمال کردن حقوق مظلوم ترین قشر جامعه است، پس بنا به تعهدی که شاعر نسبت به این مسأله داراست از ما می خواهد از اهمیت این امر مهم غافل نباشیم؛ زیرا که حقوق یتیمان هم در جه و هم شأن مقام کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند و به مقام والای شهادت نائل می آیند.
  - فرطوسی در مبحث رازداری و نکوهش نام این گونه ابرزا می دارد و در قالب نصایح و پندها می خواهد که انسان ها همواره باید با روی خوش و احترام با دیگران برخورد کنند، ریشه ی هر نوع دشمنی و کینه را در دل از بین ببرند و قبل از این که نسبت به ماهیت واقعی فرد آگاهی یابند، بر مرکب قضاوت نشینند. وی در ستایش و تمجید خصلت رازداری بیان می دارد که بر هر فردی واجب است که عیوب دیگران و خطاهای مردم را پوشانند و از فاش کردن آن امتناع ورزند، زیرا که خداوند از همه ی اسراری که نزد دیگران پوشیده است، آگاه می باشد و قضاوت می کند.
  - دعوت به مشورت در اشعار ناب عبدالمنعم فرطوسی در زمره ی مسائل اخلاقی دارای درجه ای بس بلند و والا می باشد. وی تعهد خود را در قبال این مهم اینچنین ابراز می دارد که انسان را از مشورت کردن با فرد بخیل و ترسو برحذر می دارد؛ زیرا که معتقد است فرد ترسو عزم و اراده ی انسان را سست می گرداند و همچنین شاعر مشورت کردن با فرد حریص را منع می نماید؛ زیرا که این صفات، صفاتی هستند که آدمی را به بیراهه می کشانند و گاه موجب بدگمانی نسبت به پروردگار جهانیان می شود.
  - صبر و بردباری به عنوان یکی از فضائل و اعمال پسندیده نزد عبدالمنعم فرطوسی جایگاهی ویژه دارد به گونه ای که شاعر بخش اعظمی از اشعار خود را بدان اختصاص می دهد. فرطوسی تعهد خود را در قبال آن این گونه بیان می دارد و ما را از هر گونه شتابزدگی و عجله برحذر می دارد؛ زیرا معتقد است عجله در کارها موجب آلودگی و سقوط می گردد و انسان را به ورطه ی نابودی می کشاند.



- فرطوسی عدالت را یکی از ارکان مهم و اساسی زندگی بشری توصیف می کند. وی بیان می دارد که آدمی باید در همه حال دنباله رو حق و عدالت باشد، هرچند که در این راه ممکن است سختی هایی متحمل شود؛ اما هیچ گاه از آن غافل نباشد و ضعف و سستی به خود راه ندهد.
- از دیدگاه فرطوسی یکی از نشانه های بارز کبر و غرور، خود پسندی و خود برتر بین است که بارزترین پیامد این خصلت دوری از تضرع به درگاه خداوند متعال و در نهایت مبتلا شدن به بیماری انزوا را در پی دارد.
- فرطوسی خوش خلقی و احترام گذاشتن به دیگران را بهترین جامه و پوشش برای قلب انسان می داند؛ زیرا که معتقد است خوی بد و ناپسند آدمی در برقراری روابط، انسان را هم تراز و هم شأن حیوانات می کند.
- فرطوسی افراد دنیازده را کسانی می داند که دنیا آن ها را به بازیچه گرفته و آن ها نیز چنان غرق در لذات دنیوی شده اند، که با سردرگمی ایشان با دنیا به بازی می پردازند در حالی که از سرنوشت خود بی خبرند.



## منابع:

- (۱) اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفّة الأئمّة، ج ۲، ص ۵۰، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- (۲) آل محبوبه، جعفر باقر؛ ۱۹۸۶، ماضی النجف، حاضر ها، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثانية
- (۳) أمینی، محمد های؛ ۱۹۹۲، معجم رجال الفكر الادب فی النجف خلال علم، الطبعة الثانية
- (۴) خاقانی، علی؛ ۱۹۵۴، شعر الغری، المطبعة الحیدریه، نجف
- (۵) خزعلی، انسیه؛ ۱۳۸۳، امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی، تهران: انتشارات امیر کبیر
- (۶) الزین، احمد عارف؛ ۱۹۶۵، مجله عرفان، بیروت لبنان.
- (۷) شیمل، آن ماری؛ ۱۳۶۲، ابعاد عرفانی اسلام، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- (۸) طهرانی، آقا بزرگ؛ ۱۳۳۵، الذریعه الی التصانیف الشیعه، موسسه اسماعیلیان، قم
- (۹) عامری، ثامر عبد الحسن، ۱۹۹۲م: موسسه العشائر العراقیه، الطبعة الاولى، دارالشؤون الثقافیة لعامة، بغداد
- (۱۰) فرطوسی، عبدالمنعم ۱۹۷۷. ملحمة أهل البيت بیروت: دار الزهراء للطباعة و النشر.
- (۱۱) فرطوسی، عبدالمنعم ۱۹۷۸، دیوان الفرطوسی الطبعة الثانية، النجف: مطبعة الغری الحدیثه.
- (۱۲) کاتب، علاء حسین؛ ۱۳۸۲، أدباء شعراء معاصرون، نشر نویسندہ اراک
- (۱۳) مختاری، قاسم؛ ۱۳۸۴، میراث ماندگار ادب شیعی، نش دانشگاه اراک
- (۱۴) الناهی، غالب؛ ۱۹۵۶، دراسات الادبیة، مطبعة دارالنشر و التالیفه، نجف